

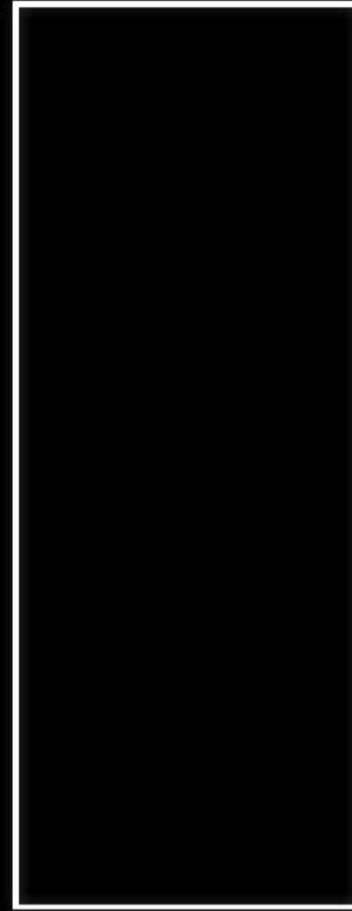
هیچ مبلغی از بدهیهای زنجانی به حساب شرکت ملی نفت واریز نشده است!

داستان دنباله دار بابک و نفت!

یکی از اموال اعلام شده زنجانی است، در مراجع قضایی ترکیه تعیین وقت شد که هنوز ابلاغی در این خصوص به دست ما نرسیده است. بابک زنجانی متهم ردیف اول پرونده نفتی از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی مفسد فی الارض شناخته و به اعدام، رد مال و جزای نقدی معادل یک چهارم مبلغ رد مال محکوم شده است که با ارسال لایحه اعتراضی وکیل مدافع بابک زنجانی به حکم دادگاه، پرونده این متهم برای فرجام خواهی به دیوان عالی کشور ارسال شده است.

بدهیهای این متهم به حساب شرکت ملی نفت ایران واریز نشده است. وی از پیگیری و مذاکره برای فروش اموال متهم خبر داد و افزود: نوبت دوم آگهی مزایده اموال زنجانی ۱۵ تیر امسال در جراید کثیرالانتشار منتشر شده که در این آگهی ۱۲ ملک و آپارتمان از سوی شرکت بازرگانی توسعه پایدار آسمان کیش به مزایده عمومی گذاشته شده است. هندی درباره آخرین وضع پرونده شرکت «اونور ایر» تاکید کرد: اواخر شهریور سال گذشته برای رسیدگی به پرونده شرکت هواپیمایی اونور ایر ترکیه که

وزارت نفت هنوز ریالی از مطالباتش را از بابک زنجانی دریافت نکرده است و گویا داستان نفت و بابک زنجانی همچنان ادامه داشته باشد. در این باره، مسئول کمیته مطالبات وزارت نفت می گوید: تاکنون هیچ مبلغی بابت بدهیهای بابک زنجانی به حساب شرکت ملی نفت ایران واریز نشده است. به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، سیدعلی اصغر هندی گفت: نامه تودیع وثیقه و پرداخت بدهیهای زنجانی از سوی وکلای خارجی وی تنها ادعاست و تا این لحظه هیچ مبلغی بابت



پادشاهت هوانا

خیلی زود دیر می شود	
احمد مدد	
دو زاویه نگرش به حریق در پتروشیمی	
حمید رضا شکو	
پشت کارگران نفت از خطر حادثه می لرزد	
علیرضا حاججو	
موفقه های موفقیت در شرکت های نوپای E&P	
کامران فتاح	

IRANOL TETRA

نخستین روغن موتور پایه گیاهی در کشور

ویژگی ها:

- کاهش آلودگی هوا
- کاهش مصرف سوخت
- کاهش رسوب در موتور خودرو
- کاهش مصرف روغن (تبخیر کم)
- افزایش طول عمر موتور
- صرفه اقتصادی برای مصرف کننده
- مناسب برای اکثر خودروها

روغن ایرانول تترا در کلیه خودروهایی که سطح کیفیت API SL/CF برای آنها تعریف شده است قابل استفاده می باشد و تقریباً اغلب خودروهای داخلی را پوشش می دهد.

www.iranol.ir

پانداخت

خیلی زود، دیر می شود

احمد مددی



روز چهارشنبه سی ام تیرماه، حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی رئیس جمهور در نخستین اجلاس جهانی سوورها و شهرداران ۲۰۱۶ پار دیر به دستاوردهای برجام پرداخت و اشاره ای نیز به این دستاوردها در حوزه انرژی داشت. وی گفت: خوشحالم که بنزین یورو ۴ از ۲۱ میلیون لیتر قبل از دولت یازدهم به تولید بیش از ۲۵ میلیون لیتر رسیده است. خوشحالم توانستیم تولید گاز را در طول این سه سال، روزانه ۱۴۰ میلیون لیتر مکعب اضافه کنیم و به همین دلیل بسیاری از سوخت نیروگاه ها که با مازوت بود و آلودگی ایجاد می کرد، کاهش یافت. تا آخر سال هم در صددم تنها ۹ درصد سوخت نیروگاه ها، سوخت مایع باشد.

سخنان رئیس جمهوری تنها بیان بخشی از واقعیات است که در حوزه انرژی پس از برجام حاصل شده و موارد دیگری نیز وجود دارد که احتمالاً به دلیل تخصصی بودن و خارج بودن از فهم عامه مردم، از بیان آنها خودداری شده است. اما تسهیل مبادلات مالی و جذب سرمایه گذاران خارجی در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی، بهبود وضعیت تولید نفت و گاز و بویژه افزایش سریع میزان تولید نفت کشور با هدف دستیابی به جایگاه قبلی خود در بازار جهانی نفت و تلاش برای تدوین مدل جدید قراردادهای نفتی تا بتوانند سرمایه گذاران خارجی را که همچون مارگزیده از ریسکان سیاه و سفید می ترسند به ایران جذب کنند، از جمله اهدافی است که پس از برجام تحقق یافته یا دولت در صدد تحقق آن است. اما این بخشی از ماجراست.

یک روی دیگر سکه زمانی نمود می یابد که با انتقاداتی که در مسیر پیشبرد برخی امور در صنعت نفت مواجه می شویم. انتقاداتی که بیش از هر حوزه ای در مورد قراردادهای نفتی تبلور یافته است و همچنان نیز ادامه دارد. طبیعتاً حامیان قراردادهای نفتی و هم منتقدان این قراردادها، استدلالهایی دارند که قابل توجه و سزاوار بررسی است. البته عده ای را که از منظر سیاسی به این قراردادهای می نگرند و با جزئیات مسایل تخصصی نفت آشنا نیستند از این گروه نباید خارج کرد چرا که نگرش حزبی و سیاسی و غیر تخصصی به این موضوع، چاره ساز نیست. اما باید پذیرفت که صرفاً طرح انتقاد نمی تواند ما را به سمت مقصود رهنمون سازد و لازم است زمانی را به عنوان حسن ختام برای بررسی موضوع قراردادهای نفتی در نظر بگیریم و انعقاد قراردادهای نفتی پس از اصلاحات مورد نظر آغاز شود. طبیعتاً قراردادهای نفتی نیاز به اصلاح دارد و این موضوعی است که چندی پیش توسط مقام معظم رهبری نیز در دیداری که دانشجویان با ایشان داشتند مطرح شد و قطعاً وزارت نفت نیز نسبت به این موضوع حساسیت خاصی دارد. فراموش نکنیم که در راس وزارت نفت وزیری قرار دارد که به شیخ الوزرا معروف است و با سابقه سالها وزارت حتی در دوران دفاع مقدس نمی توان در این موضوع تردیدی داشت که دلسوزی او نسبت به منافع ملی، بیش از بسیاری از منتقدان است و لازم است اندکی با نگرش مثبت به مسایل نگر نیست. ضمن اینکه این موضوع نافی مسوولیت وزارت نفت در اصلاح قراردادهای نیست، اما نکته ای که در مجموع قابل تأمل به نظر می رسد گذر زود هنگام زمان و نزدیک شدن به زمان پایان دولت یازدهم است. تنها یک سال از عمر این دولت باقی مانده و حال که برجام نیز به نتیجه رسیده است، بیش از این نباید فرصت را برای نهایی کردن قراردادهای نفتی و جذب سرمایه گذاران از دست داد. ضمن اینکه لازم است اولویت های اصلی قراردادی را که ترجیحاً معطوف به مبادین مشترک باید باشد مشخص کرد تا در کوتاه ترین زمان ممکن نسبت به انعقاد قرارداد با طرف های خارجی یدصلاح اقدام شود. چرا که همین منتقدانی که مشی وزارت نفت در مورد قراردادهای نفتی را نمی پسندند، اگر این دولت به آخرین ماههای عمر خود نزدیک شود و ببینند قراردادی منعقد نشده، انتقاد خود را به این سمت سوق خواهند داد که دولت در اصلاح قراردادهای و انعقاد قراردادهای نفتی ناتوان بوده است. پس فرصت را در بایم که خیلی زود، دیر می شود.



دو زاویه نگرش به حریق در پتروشیمی

مخزن تمام شد تا آتش خاموش شود. آن هم در موضوعی کاملاً تخصصی و فنی، این پیام را به مخاطب می داد که وزیر نفت و سایر مسوولان صرفاً شاهد حادثه بوده اند تا آتش خود به خود خاموش شود. تیرهایی همچون «سوخت تمام شد. آتش خاموش شد»، رنگته شاهد آتش در پتروشیمی شهادتی است. «تدبیر در آتش» و ... همگی نشان دهنده تلاش برخی در جهت القا ناتوانی مسوولان امر بود که حتی با انتقاد صریح آتش نشانان زحمتکش حاضر در صحنه نیز مواجه شد. گویی آتش نشانان هم شاهد اوضاع بوده اند، تا آتش خاموش شود!

۵- این حادثه بدون هیچگونه تلفاتی به پایان رسید اما منتقدان اشاره ای به این موضوع نکردند. در حالیکه در حوادث مشابه در سالهای گذشته، با حجمی کمتر، شاهد تلفات بودیم که گسترده ترین آن در همین منطقه بندر امام در سالهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۱ رخ داد و متأسفانه تعدادی از کارکنان پتروشیمی بندر امام را به کام مرگ کشاند اما رسانه هایی که امروز منتقد شده اند آن زمان سکوت کردند. فقط یک جستجوی ساده در خبرگزاری های رسمی مثل فارس که آن زمان حامی دولت بودند در بهمن ۸۹ و مرداد ۹۱ موبد این ادعاست. آن زمان اعتراض به مسوولان به دلیل حادثه ای با تلفات جانی جایز نبود اما اکنون جایز است. جالب است که مدیر عامل وقت پتروشیمی بندر امام که برای باخت تیمشان در مسابقات بسکتبال به دلیل فشار روانی در سالن ورزشی سکنه کرده بود، پس از جان باختن تعدادی از کارکنان شرکت، نه تنها دچار فشار روحی و روانی نشد، بلکه حتی حاضر نشد مراسم جشن از قبل برنامه ریزی شده را در شرکت لغو کند که اعتراض کارکنان را در پی داشت. رسانه های امروز منتقد، آن روزها کجا بودند؟

۶- بگذاریم و بگذریم که برخی مواضع انتقادی رسانه های سیاسی در قبال مسایل تخصصی حوزه نفت و انرژی، حکایت مثنوی هفتاد من کاغذ است که از زمان روی کار آمدن مجدد بیژن رنگته به عنوان وزیر نفت، بیش از گذشته ملموس شده است. بیچاره صنعت نفت که مشکلاتش زیر سایه این نگرش های سیاسی کم شده است.

سوزی دوم و تداوم آن، وزیر نفت به منطقه رسید تا از نزدیک موضوع را پیگیری کند. جالب اینجاست که برخی رسانه های منتقد، ابتدا عدم حضور وزیر نفت در منطقه را نشانه بی توجهی او به موضوع ارزیابی کردند، ولی وقتی وزیر نفت به منطقه رفت، رسانه های همان دسته، این بار سفر رنگته را از این جهت زیر سوال بردند که او مدیران خوبی در منطقه نداشت و گرنه نیازی نبود به آنجا برود! در حقیقت هم برای نرفتن و هم برای رفتن وزیر نفت به منطقه، انتقاداتی آماده شده بود که ماهیت آن نشان از سلیقه ای بودن آن دارد.

۲- این نکته در مورد مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران هم صادق بود. برخی منتقدان ضمن انتقاد از حضور دیر هنگام او در منطقه، این امر را پنهانی به بر خورد جنسیتی با او کردند که به هیچ وجه قابل درک نیست. این منتقدان، ادعا کردند که وزیر نفت، کاری مردانه را به یک زن واگذار کرده و به همین جهت این حادثه رخ داده و برای مدیریت شرکت ملی صنایع پتروشیمی، مدیر پت خاتم مناسب نیست، گویا اینکه قرار است مدیر عامل پتروشیمی شخصاً به خاموش کردن آتش بپردازد و چون زن است نمی تواند و همین باعث تداوم آتش سوزی شده است. سپردن کارهای مردانه به زنان از جمله تیرهایی بود که در این زمینه منتشر شد که از جهت نگرش جنسیتی، تأسف بار است.

۳- در همه این انتقادات نکته ای که به فراموشی سپرده شده بود خصوصی بودن بخشی بود که آتش سوزی در آن رخ داده و اصولاً پتروشیمی بوعلی زیر مجموعه بخش خصوصی بوده و از این جهت از لحاظ قانونی و حقوقی مسوولیتی متوجه وزارت نفت نیست. اما تیرهایی همچون زنگنه آتش نفتی کجا باید ساخته شد تا این نکته به حاشیه رانده شود که پاسخگوی این حادثه در واقع باید بخش خصوصی باشد. هر چند این دو بخش ماهیتاً از هم جدا نیستند اما وقتی روابط این دو بخش از جمله در حوزه ایمنی به روشنی تعریف نشده، طرح تیرهای حاشیه ساز صرفاً نشان از چشم بستن برخی منتقدان روی برخی واقعیات داشت.

۴- ما نمودار روی این موضوع که سوخت

بویی غیر کارشناسی از سوی برخی رسانه هایی مطرح می شود که نگرش سیاسی آنها در عملکرد آنها غالب است. هم زمان با بروز حادثه پتروشیمی بوعلی در ماهشهر، عربستانی ها با ایجاد هشتگی در فضای مجازی، به موضع گیری علیه ایران پرداختند و برخی رسانه های داخلی نیز خواسته یا ناخواسته با آنها همسو شدند و در حالیکه تا کید بر این بود که همه با کمک هم، در کنترل حادثه و همچنین کنترل آثار روانی آن

بگذاریم و بگذریم که برخی مواضع انتقادی رسانه های سیاسی در قبال مسایل تخصصی حوزه نفت و انرژی، حکایت مثنوی هفتاد من کاغذ است که از زمان روی کار آمدن مجدد بیژن رنگته به عنوان وزیر نفت، بیش از گذشته ملموس شده است. بیچاره صنعت نفت که مشکلاتش زیر سایه این نگرش های سیاسی کم شده است

تلاش کنند. آن دسته از رسانه ها تندترین مواضع را علیه وزارت نفت که درگیر رفع این حادثه بود اتخاذ کردند که به جرات می توان گفت در مورد حوادث مشابه در نقاط دیگر جهان کمتر سابقه دارد. معمولاً در سیاسی ترین جوامع نیز هنگام بروز حادثه ای، در رفع آثار آن تلاش می کنند و سپس به موضع گیری درباره آن می پردازند. اما در کشور ما متأسفانه شاهد واکنشی متفاوت هستیم که این امر در موضوع آتش سوزی در پتروشیمی بوعلی کاملاً به اوج رسید. اما این انتقادات چه بود؟

۱- عدم حضور بیژن رنگته وزیر نفت در ساعات ابتدایی بروز حادثه، واکنش صریح رسانه های منتقد دولت را به همراه داشت. رنگته در شرایطی پنجشنبه شب به ماهشهر رفت که حادثه بعد از ظهر روز چهارشنبه رخ داده و تا صبح روز پنجشنبه معیار شده بود. اما ساعاتی بعد، از نقطه ای دیگر، این حادثه آغاز شده بود. کنترل حادثه در وهله نخست نشان داد که تیم حاضر در منطقه، به اوضاع مسلط بوده اما با آغاز آتش

تنهاز نجیره این صنعت را که وابسته به خوراک است قطع کرد و زمینه ساز بروز رانت در این صنعت شد. بلکه در عرصه بین المللی نیز جایگاه برند پتروشیمی ایران را که جایگاه مناسبی بود تنزل داد و حتی در عرصه صادرات محصولات پتروشیمی نیز با موازی کاری و حتی دامپینگ شرکت های موازی تازه تاسیس، زبانهای غیر قابل جبرانی ایجاد کرد. اکنون با حادثه اخیر پتروشیمی، زبان خصوصی سازی نابجا در قطع ارتباط سازماندهی شده و نظام مند شرکت ملی صنایع پتروشیمی و پتروشیمی های خصوصی شده که پتروشیمی بوعلی هم یکی از آنها بود بیش از پیش آشکار شد. البته همانگونه که مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی اعلام کرده بود، تعامل بین شرکتهای خصوصی و شرکت ملی صنایع پتروشیمی وجود دارد اما مشکل اینجاست که این تعامل، با اولیایماندی شده و قانونمند نیست و ثابتاً نظارتی بر عملکرد شرکتهای خصوصی وجود ندارد. نتیجه اینکه در هنگام بروز چنین حوادثی در مجموعه های بخش خصوصی، دولت مسوول است در حالیکه عملاً مسوولیتی ساختارمند بر آن حوزه ندارد. این نکته ای است که باید برای آن چاره ای اساسی اندیشید.

۲- برخی نارسایی های هاد نیروی کار موضوعی نیست که بتوان آن را کتمان کرد و این امر منحصر به کارکنان نفت هم نیست. مشکلات استخدامی و گاه معیشتی و مالی، بویژه برای نیروهای غیر رسمی می تواند زمینه ساز نارسایی شغلی و به تبع آن بروز اشتباه باشد. هر چند استخدام های بی ضابطه در یک مقطع زمانی پیش از روی کار آمدن دولت فعلی و نیز کمبود منابع مالی وزارت نفت به دلیل تأمین پارانه کلان نقدی از طریق منابع مالی محدود این وزارتخانه و شرکتهای تابعه، همگی در کاهش منابع مورد نیاز برای رسیدگی مطلوبتر به کارکنان تأثیر گذار بوده و به تبع آن شرکتهای فعال در این صنعت را نیز درگیر خود ساخته، اما به هر حال لازم است برای تأمین رضایت شغلی کارکنان و رفع مخاطرات آنها در هنگام کار تلاش کرد تا ضرب خطا در عملکرد آنها کاهش یابد.

۳- مواضع انتقادی که در مورد قراردادهای نفتی در قبال مسایل تخصصی حوزه نفت و انرژی، حکایت مثنوی هفتاد من کاغذ است که از زمان روی کار آمدن مجدد بیژن رنگته به عنوان وزیر نفت، بیش از گذشته ملموس شده است. بیچاره صنعت نفت که مشکلاتش زیر سایه این نگرش های سیاسی کم شده است.

۴- مواضع انتقادی که در مورد قراردادهای نفتی در قبال مسایل تخصصی حوزه نفت و انرژی، حکایت مثنوی هفتاد من کاغذ است که از زمان روی کار آمدن مجدد بیژن رنگته به عنوان وزیر نفت، بیش از گذشته ملموس شده است. بیچاره صنعت نفت که مشکلاتش زیر سایه این نگرش های سیاسی کم شده است.



تنهاز نجیره این صنعت را که وابسته به خوراک است قطع کرد و زمینه ساز بروز رانت در این صنعت شد. بلکه در عرصه بین المللی نیز جایگاه برند پتروشیمی ایران را که جایگاه مناسبی بود تنزل داد و حتی در عرصه صادرات محصولات پتروشیمی نیز با موازی کاری و حتی دامپینگ شرکت های موازی تازه تاسیس، زبانهای غیر قابل جبرانی ایجاد کرد. اکنون با حادثه اخیر پتروشیمی، زبان خصوصی سازی نابجا در قطع ارتباط سازماندهی شده و نظام مند شرکت ملی صنایع پتروشیمی و پتروشیمی های خصوصی شده که پتروشیمی بوعلی هم یکی از آنها بود بیش از پیش آشکار شد. البته همانگونه که مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی اعلام کرده بود، تعامل بین شرکتهای خصوصی و شرکت ملی صنایع پتروشیمی وجود دارد اما مشکل اینجاست که این تعامل، با اولیایماندی شده و قانونمند نیست و ثابتاً نظارتی بر عملکرد شرکتهای خصوصی وجود ندارد. نتیجه اینکه در هنگام بروز چنین حوادثی در مجموعه های بخش خصوصی، دولت مسوول است در حالیکه عملاً مسوولیتی ساختارمند بر آن حوزه ندارد. این نکته ای است که باید برای آن چاره ای اساسی اندیشید.

۲- برخی نارسایی های هاد نیروی کار موضوعی نیست که بتوان آن را کتمان کرد و این امر منحصر به کارکنان نفت هم نیست. مشکلات استخدامی و گاه معیشتی و مالی، بویژه برای نیروهای غیر رسمی می تواند زمینه ساز نارسایی شغلی و به تبع آن بروز اشتباه باشد. هر چند استخدام های بی ضابطه در یک مقطع زمانی پیش از روی کار آمدن دولت فعلی و نیز کمبود منابع مالی وزارت نفت به دلیل تأمین پارانه کلان نقدی از طریق منابع مالی محدود این وزارتخانه و شرکتهای تابعه، همگی در کاهش منابع مورد نیاز برای رسیدگی مطلوبتر به کارکنان تأثیر گذار بوده و به تبع آن شرکتهای فعال در این صنعت را نیز درگیر خود ساخته، اما به هر حال لازم است برای تأمین رضایت شغلی کارکنان و رفع مخاطرات آنها در هنگام کار تلاش کرد تا ضرب خطا در عملکرد آنها کاهش یابد.

۳- مواضع انتقادی که در مورد قراردادهای نفتی در قبال مسایل تخصصی حوزه نفت و انرژی، حکایت مثنوی هفتاد من کاغذ است که از زمان روی کار آمدن مجدد بیژن رنگته به عنوان وزیر نفت، بیش از گذشته ملموس شده است. بیچاره صنعت نفت که مشکلاتش زیر سایه این نگرش های سیاسی کم شده است.

۴- مواضع انتقادی که در مورد قراردادهای نفتی در قبال مسایل تخصصی حوزه نفت و انرژی، حکایت مثنوی هفتاد من کاغذ است که از زمان روی کار آمدن مجدد بیژن رنگته به عنوان وزیر نفت، بیش از گذشته ملموس شده است. بیچاره صنعت نفت که مشکلاتش زیر سایه این نگرش های سیاسی کم شده است.



جهانگیری در مراسم بهره برداری از طرح آمونیاک و اوره مرودشت بیان کرد:

افزایش صادرات پتروشیمی از سیاستهای اقتصاد مقاومتی

در داخل کشور از این فرصت سو استفاده کردند. وی گفت: شخصی ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار در این دوره برده است مگر مردم ایران و تاریخ از آنها گذشت می کند؟ نام آنان هم در تاریخ ایران سیاه خواهد ماند.

معاون اول رئیس جمهوری در پایان اظهار امیدواری کرد: در فضای جدید پس از تحریمها توسعه کشور شتاب یابد و اقتصاد ایران با اجرای سیاستهای اقتصاد مقاومتی رونق یابد.

زنگنه: ارزش تولید محصولات پتروشیمی ۵ میلیارد دلار افزایش می یابد

وزیر نفت نیز در این مراسم گفت: طرحهای برنامه ریزی شده برای افتتاح در سال ۹۵ با سرمایه گذاری ۵,۴ میلیارد دلار، ارزش تولید سالانه محصولات پتروشیمی کشور را بیش از پنج میلیارد دلار افزایش می دهد.

بیزن زنگنه با برشمردن طرحهای پتروشیمی در سال ۹۵ این سال را برای صنعت پتروشیمی ایران استثنایی خواند و اظهار کرد: اجرای این طرحها مصداق اقتصاد مقاومتی است. وی طرحهای برنامه ریزی شده برای افتتاح در سال ۹۵ را با سرمایه گذاری ۵,۴ میلیارد دلار و ارزش تولید سالانه پتروشیمی برای این طرحها را حدود ۵,۱ میلیارد دلار به قیمت پایه سال ۹۰ اعلام کرد.

زنگنه طرحهای پتروشیمی افتتاح شده در دولت تدبیر و امید را شامل لرستان، تخت جمشید ماهشهر، مهاباد، اسیدسولفوریک ارومیه و مرودشت دانست و افزود: طرحهای پتروشیمی کاویان ۲,۲ مروراید، فاز ۲ کارون، پلی اتیلن کردستان، فاز ۳ پردیس، اوره و آمونیاک عسلویه، پلی استایلن انتخاب، متانول دیر تا پایان امسال افتتاح می شود. به گفته وزیر نفت، مجموع این طرحها در سال ۹۵، ارزش تولید محصولات پتروشیمی را بیش از پنج میلیارد دلار

طرح آمونیاک و اوره شهدای مرودشت صبح روز سه شنبه ۲۹ تیرماه با حضور معاون اول رئیس جمهور، وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، به طور رسمی مورد بهره برداری قرار گرفت.

معاون اول رئیس جمهوری در این مراسم با انتقاد از سیاستهای سالهای گذشته که منجر به برداشت بیشتر طرف مقابل از میدانهای مشترک نفت و گاز شد، گفت: برخی افراد به جای تمرکز در توسعه کشور و افزایش ظرفیت برداشت از میدانهای مشترک به دنبال مسائل حاشیه ای بودند.

اسحاق جهانگیری با تاکید بر این که در زمینه های مختلف اقتصادی هیچ زمینه ای مهم تر از نفت و گاز نیست، گفت: مابه طور حتم باید در مقاطعی مدیران و خود را سرزنش کنیم که از ۱۰۰ سال پیش تاکنون که نفت تولید شده است، این کالا نتوانسته است نقش تعیین کننده و اصلی خود را ایفا کند. وی، خام فروشی و ارزش افزوده کم را از جمله این موارد یاد کرد.

جهانگیری با بیان سیاستهای دولت در اقتصاد مقاومتی گفت: توسعه ظرفیتهای صنعت نفت و گاز کشور و کاهش وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی از جمله این سیاستهاست.

وی از بیژن زنگنه به عنوان وزیر کارآمدی نام برد که با سیاستگذاریهای دقیق در مسیر افزایش ظرفیت و بهره برداری طرحها کام برداشته است.

جهانگیری با اشاره به افزایش ۱۵۰ میلیون مترمکعب برداشت گاز از فازهای پارس جنوبی گفت: این از جمله مصادیق عملکردی مناسب در دوره اخیر است که افزون بر پارس جنوبی در میدانهای غرب کارون نیز رقم برداشت نفت خام افزایش یافته است و امسال تولید در این میدانها به حدود ۲۰۰ هزار بشکه رسیده است که ستودنی است.

معاون اول رئیس جمهوری سخنان خود را با انتقاد از سیاستهای سالهای گذشته که منجر به برداشت بیشتر طرف مقابل از میدانهای مشترک نفت و گاز شد، ادامه داد و از این که برخی افراد به جای تمرکز در توسعه کشور و افزایش ظرفیت برداشت از میدانهای مشترک به دنبال مسائل حاشیه ای بودند، اظهار تاسف کرد. وی گفت: چنین رویه ای منجر به هدر رفتن منابع کشور و کاهش برداشت ایران نسبت به طرف مقابل از میدانهای مشترک شده است. وی سیاستهای اصلی اقتصاد مقاومتی را پر هیز از خام فروشی، ایجاد ارزش افزوده، افزایش صادرات محصولات پتروشیمی دانست و گفت: دولت این سیاستها را با جدیت دنبال خواهد کرد.

صنعت پتروشیمی در کشور، ظرفیت نصب شده تولید محصولات به حدود ۶۱ میلیون تن رسیده است. بدون شک پتروشیمی شیراز هنوز جایگاه ویژه ای دارد. معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی ادامه داد: با در نظر گرفتن عمر مفید واحدهای موجود و پارامترهای ایمنی و اقتصادی در تولید و با توجه به مزایای جدید با بهره از مجتمع پتروشیمی شیراز و همچنین با هدف تداوم تولید و ادامه حیات این شرکت، طرح احداث واحدهای جدید آمونیاک و اوره در سال ۸۵ دستور کار شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران قرار گرفت.

وی ادامه داد: امروز با مدیریت بخش خصوصی با راه اندازی واحد سوم آمونیاک و اوره شهدای مرودشت با ظرفیت ۶۸۰ هزار تن آمونیاک و یک میلیون و ۷۵۰ هزار تن اوره گرانول، ظرفیت تولید آمونیاک در کشور به ۴,۵ میلیون تن و ظرفیت تولید اوره به ۵,۵ میلیون تن در سال رسیده است. شاهدایی، مجتمع پتروشیمی شیراز از جمله تاسیساتی خواند که در طول سالهای جنگ بارها هدف حمله های هوایی از سوی رژیم بعثی عراق قرار گرفت و کارکنان متخصص آن در کنترل حوادث ایجاد شده بسیار موفق عمل کردند.

معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی گفت: این کارکنان می توانند با انتقال و نشر تجربه های خود به دیگر شرکتهای فعال در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی در پیشگیری و کنترل حوادث در این صنعت، نقش کلیدی و مؤثری ایفا کنند.

شاهدایی افزود: از سویی با توجه به قدمت مجتمع پتروشیمی شیراز و در نظر گرفتن این موضوع که این مجتمع دارای واحدهایی است که سالیان طولانی در مدار تولید هستند، لزوم توجه و دقت بیشتر در مراقبت از تجهیزات و در صورت لزوم، سرمایه گذاری برای به روز آوری آنها به منظور پیشگیری از حوادث احساس می شد. از این رو اقدامهای این شرکت در جایگزین کردن واحدهای فرسوده و غیراقتصادی با واحدهای روزآمد برای بهبود اقتصاد بنگاه در بلندمدت و نیز پیشگیری از بروز حوادث صنعتی را می توان به فال نیک گرفت و آن را به عنوان یک رویکرد در صنعت پتروشیمی کشور تفسیر داد.

به گفته شاهدایی، مجتمع های پتروشیمی که از فرآیندهای پیچیده شیمیایی استفاده می کنند، بستر بالقوه برای رخداد حوادث بزرگ صنعتی به شمار می روند که در صورت بی توجهی به الزامهای ای اس بی می توانند سبب خسارت به محیط زیست، سلامت کارکنان و جوامع اطراف خود شوند. شاهدایی از شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران به عنوان سازمان توسعه ای و دستار و حامی محیط زیست یاد کرد که همواره با تدوین و ابلاغ دستور عملها و استانداردهای لازم الاجرا و نظارت و پایش فعالان صنعت نفت در توسعه پایدار این صنعت کام برداشته است.

وی اظهار امیدواری کرد: با بر مشق قرارداد دادن حاصل از حادثه بر خسارت و ناگوار پتروشیمی بوعلی سینا همه شرکتهای پتروشیمی با بازنگری اقدامها و رعایت الزامهای ای اس بی در همه زمینه های مدیریت مجتمع و با اولویت قرار دادن سرمایه گذاری در این زمینه از بروز چنین حوادث تلخ و تاسف بار در صنعت پیشگیری کند.

زنگنه در بخش دیگری از سخنان خود اظهار امیدواری کرد که بخش پایین دستی در استان فارس با کمک سرمایه گذاران و حمایت استانداری برای بخش پتروشیمی فعال شود. وزیر نفت همچنین بر رعایت مسائل ایمنی تاکید کرد و گفت: سرسختانه حوزه ایمنی را جدی بگیرد.

شاهدایی: ظرفیت تولید اوره ایران به سالانه ۵,۵ میلیون تن رسید

معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی هم گفت: با راه اندازی واحد سوم آمونیاک و اوره شهدای مرودشت با ظرفیت ۶۸۰ هزار تن آمونیاک و یک میلیون و ۷۵۰ هزار تن اوره گرانول، ظرفیت تولید آمونیاک ایران به ۴,۵ میلیون تن و ظرفیت تولید اوره به ۵,۵ میلیون تن در سال رسیده است.

مرضیه شاهدایی گفت: صنعت پتروشیمی در کشوری که حدود ۹,۵ درصد ذخایر نفت و ۱۷,۱ ذخایر گاز جهان را دارد، از صنایعی است که به دلایل استفاده از مزایای نسبی کشور و ایجاد ارزش افزوده از آغاز تاکنون مورد توجه سیاستگذاران و برنامه ریزان کشور بوده است. مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی بیان این که فکر ایجاد صنعت پتروشیمی در ایران، قدمتی بیش از ۵۰ سال دارد، افزود: کارخانه کود شیمیایی مرودشت فارس (پتروشیمی شیراز) با ظرفیت تولید سالانه ۱۰۰ هزار تن در مهرماه سال ۱۳۴۲ شمسی به عنوان نخستین کارخانه تولید کودهای شیمیایی در ایران راه اندازی شد.

شاهدایی افزود: این به آن معناست که مجتمع پتروشیمی شیراز، بر چندار صنعت پتروشیمی کشور است و در طول بیش از ۵۰ سال تلاجه دار تولید و زمینه ساز توسعه صنعت پتروشیمی در سراسر کشور بوده است. وی یادآور شد: اکنون که پس از نیم قرن فعالیت رو به رشد

افزایش می دهد.

وی با اعلام طرحهای پتروشیمی برای سال ۹۶ به پتروشیمی های هگمتانه، مرجان، بوشهر، فاز نخست پتروشیمی ابن سینای ماهشهر اشاره کرد و از هشت میلیارد دلار طرح پتروشیمی تا نیمه سال ۹۶ خبر داد که اجرای آن به تولید بیش از ۶,۷ میلیارد دلار به قیمت پایه سال ۹۰ منجر می شود. زنگنه بر فعال شدن بخش پایین دستی پتروشیمی تاکید کرد و گفت: باید فاینانس خارجی، صندوق توسعه و سرمایه های عمومی مردم را به این سمت سوق دهیم تا بتوانیم ظرفیت سرمایه گذاری را افزایش دهیم.

وزیر نفت با اشاره به این که در سال ۷۶ کل ارزش تولیدات پتروشیمی ایران یک میلیارد دلار بود که اکنون در یک سال به ارزش تولید محصولات پتروشیمی پنج میلیارد دلار اضافه می شود، تصریح کرد: این اعداد فوق العاده مهمی است؛ نزدیک یک و نیم درصد فقط تولید ناخالص از پتروشیمی است که برای اقتصاد کشور تعیین کننده است. وی با بیان این که اجرای طرح آمونیاک و اوره شهدای مرودشت در دوران تحریم ستودنی است، استان فارس را مهد پتروشیمی کشور خواند و گفت: طرحهای زیادی برای استان فارس در نظر گرفته شده است و نمایندگان و مقامهای استان باید آن را فعال کنند. زنگنه همچنین استان فارس را قطب دوم تولید گاز ایران پس از بوشهر خواند و گفت: در آینده می توانیم تولید گاز را افزایش دهیم.

وی درباره پالایشگاه دوم شیراز نیز توضیح داد: امیدوارم آقای جهانگیری تلاش کنند مشکل این طرح حل شود و به سامان برسد. خوراک آن را وزارت نفت باید تامین کند که تخصیص دادیم اما مشروط به آن است که کارهای زیست محیطی آن حل شود.

طرح آمونیاک و اوره شهدای مرودشت را بهتر بشناسیم

با افتتاح این طرح، پتروشیمی شیراز تنها واحد تولید اوره کشور است که اوره پرپیل و گرانول را به بازار مصرف ارائه می کند. این موضوع را محمد مهدی فهام، مدیر طرح اوره و آمونیاک ۳ به خبرنگار شانا می گوید.

هدف از اجرای این طرح، تولید سالانه ۶۷۰ هزار تن آمونیاک و یک میلیون و ۷۵۰ هزار تن اوره گرانول است و با آغاز بهره برداری رسمی از این طرح، شرکت سهامی پتروشیمی شیراز به تولید ۳,۷ میلیون تن کودهای ازته (اوره پرپیل و گرانول - نیترات آمونیوم) آمونیاک، اسیدنیتریک، متانول و آرگون می رسد. این طرح که با حداکثر توان داخلی در ساخت و نصب تجهیزات در مجتمع پتروشیمی شیراز انجام شده است با سرمایه گذاری ارزی و ریالی به ترتیب ۵۵۰ میلیون یورو و چهار هزار میلیارد رالت به بهره برداری می رسد. این طرح که ظرفیت تولید مجتمع پتروشیمی را به ۳,۷ میلیون تن افزایش داده است، مشتمل بر واحدهای آمونیاک منطقه ۳، اوره ۳ و سرویسهای جانبی است.

بروشورهای تبلیغاتی درج شده، با این حال این طرح را با نام آمونیاک و اوره سوم می خوانند.

بنای ساخت این طرح به گفته مدیرعامل مجتمع پتروشیمی شیراز از سال ۱۳۸۵ گذاشته و از سال ۸۸ هم عملیاتش آغاز شد. سایه تحریمها اما اینجا هم سایه افکنده و روند این طرح را که قرار بوده است با حضور شرکتهای مختلفی از هلند، سوئیس، ژاپن و ... در آن بوده با تحریم متوقف شده است.

حالا این شرکتها در فصل پسابرجام به طرح بازگشتند. در این فاصله مسئولان مجتمع می گویند در دوره غیبت خارجی هایبکار تنشسته و تحریمها را دور زده اند و به موازات آن از توان داخلی استفاده کردند و طرح را اگر چه با تاخیر، اما به نتیجه رساندند.

طرح آمونیاک و اوره شهدای مرودشت با دانش فنی شرکتهای آمونیاک کازاله سوئیس و توپو ژاپن و از سوی شرکت طراحی و مهندسی صنایع پتروشیمی (پیدک) طراحی و نصب شده است.

از شیراز که به سمت مرودشت می رومیم جمعیتی به چشم می خورد که تاریخ تاسیس آن در تابلوی ورودی سال ۱۳۳۸ را نشان می دهد: مجتمع پتروشیمی شیراز. همین تاریخ، از پیشینه بیش از ۵۰ ساله صنعت پتروشیمی ایران حکایت دارد. همین قدمت دست اندر کاران را بر این داشته است تا با تعریف طرح های جدید، جان تازه ای به نخستین مجتمع پتروشیمی ایران بخشند.

کارخانه کود شیمیایی شیراز که تاریخ بهره برداری از آن را وزارت صنایع و معادن وقت در آغاز ساختمان، بهار ۱۳۴۰ و یک سال بعد نیمه دوم ۱۳۴۰ پیش بینی کرده بود، صبح روز جمعه ۲۶ مهر ماه سال ۱۳۴۲ شمسی با حضور ژنرال دوگل، رئیس جمهوری فرانسه افتتاح و از کتیبه آن پرده برداری شده بود.

امروز در بخش شرقی آن تاسیسات، طرحی جدید قد علم کرده تا این مجتمع هم رنگی تازه بگیرد. واحد آمونیاک و اوره شهدای مرودشت: این نامی است که بر روی

جهانگیری همچنین به گزارش بیژن زنگنه در مراسم مینسی بر سرمایه گذاری بیش از پنج میلیارد دلاری برای پتروشیمی در سال ۹۵ اشاره کرد و گفت: باید از وزیر نفت و مدیران به دلیل این اقدامها تشکر کنیم، اقدامهایی که در دوره تحریمها صورت گرفته است.

معاون اول رئیس جمهوری سخنان خود را با موضوع تحریمها ادامه داد و با تقسیم بندی گروههای فعال در این دوره گفت: در این مقطع ۲ گروه فعال بودند یکی مدیران بنگاهها که در نهایت گمنامی وقت گذاشتند و تحریمها را دور زدند و طرحها را تکمیل کردند که نامشان در تاریخ ایران می درخشد و ثبت خواهد شد، گروه دوم کسانی هستند که

پانزدهمین

پشت کارگران نفت از خطر حادثه می‌لرزد



علیرضا محجوب
رئیس خانه کارگر و نماینده مجلس

نوزدهم تیرماه سال مصادف بود با اولین سالگرد کشته شدن شهرام محمدی، کارگر سابق پتروشیمی مارون که به‌گواه همکارانش در جریان حادثه آتش‌سوزی این مجتمع، با فداکاری خود از بروز یک فاجعه جلوگیری کرد؛ در شرایطی که انتظار داشتیم که دیگر شاهد وقوع چنین حوادثی نباشیم، تقارن سالگرد این حادثه با شنیدن اخبار مربوط به حادثه آتش‌سوزی پتروشیمی بوعلی باعث شد تا افکار عمومی جامعه کارگری بار دیگر عرق سردی را بر دوش خود احساس کنند. اگر چه اکنون حادثه اخیر آتش‌سوزی پتروشیمی بوعلی نیز با جان‌گذاشتگی اعضای تیم امداد بلاخره پس از گذشت سه روز و بدون کوچکترین تلفات جانی خاتمه یافت؛ اما چه تضمینی وجود دارد که دیگر وقوع حادثه سومی در کارخانه پتروشیمی بوعلی رخ دهد و به ویژه کارگران صنعت از ترس گرفتار شدن در میان شعله‌های سبز آتش نلرزد؟ سال گذشته که شهرام محمدی در جریان حادثه آتش‌سوزی پتروشیمی مارون جان باخت همه ما شاهد بودیم که چگونه به صورت مستقیم و غیر مستقیم از تأکید بر ایمنی و فداکاری بی‌بدیل او به عنوان ابزار و محملی برای پنهان کردن کاستی‌ها استفاده کردند و در این در حالی است که بازماندگان وی از اینکه تاکنون هیچ مقام مسئولی حاضر نشده است تا فراتر از تعارفات زبانی گامی فائز بگذارد و دست کم امکان پرداخت تمامی مطالباتی قانونی آنها را فراهم کند انتقاد دارند. نمی‌توان انکار کرد که اگر حداقل از همان زمان برای جلوگیری از وقوع چنین حوادثی، قدمی جدی برداشته شده بود امروز دیگر نیامد می‌شدیم که پتروشیمی بوعلی برای سه شنبانه روز در آتش سوخته است؛ بنابراین اگر چه در راستای اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری اکنون چند سالی است که مدیریت و مالکیت واحدهای پتروشیمی و پالایشگاهی به بخش خصوصی واگذار شده اما همه مردم از جمله کارگرانی که به قیمت تجربه، تخصص و سلامتی خود در این مراکز مشغول کارند و ظاهراً در معرض تکرار حادثه‌های دیگر روز را به شب می‌سازند حق دارند که بدانند در این مراکز چه اتفاقی در حال رخ دادن است. در ادبیات توسعه در حالی از منابع نفتی و صنایع وابسته که ثروت ملی تلقی می‌شوند به عنوان موتور توسعه اقتصادی نام می‌بریم و این در حالی است که ظاهراً هیچ نظارت دقیقی بر عملکرد مدیران خصوصی مجتمع‌های پالایشگاهی و پتروشیمی در خصوص تادیه کلیه مطالبات و حقوق نیروی انسانی چه از بابت ایمنی سازی محیط کار و چه از نظر تأمین معاش وجود ندارد. نقش موثر کارگران چه در پیروزی انقلاب اسلامی و در جنگ تحمیلی بر هیچ کس پوشیده نیست و در میان سهم کارگران صنعت نفت هم از بابت اعتصاب و ترک کار به هنگام خود در سال ۵۷ و هم از بابت ادامه دادن به کارشان در زیر حملات دشمن یعنی بسی ویژه تر است اما در شرایطی که انتظار می‌رفت که در برابر این همه ایثار و فداکاری با تصویب قانون کنونی کار به نوعی شاهد ادای دین نسبت به کارگران باشیم امروز با وضعیت متفاوت و تأثر بار روبر و هستیم، تنها به فاصله گذشت تنها چند سال از خشک شدن جوهر قانون کار، کارگران گروه گروه و دسته دسته از شمول چتر حمایتی که سالها در آرزوی آن بودند خارج شده‌اند. پس از مشروعت بخشیدن به قراردادهای موقت و پیمانکاری شاهد بودیم که چطور در سال ۷۲ برخلاف نصاب مشفقانه به نام ایجاد رونق اقتصادی مناطق آزاد و ویژه راه‌اندازی کردند و امنیت شغلی کارگران را به باد دادند و در ادامه امروز نیز که با گذشت این همه سال دست کم ناکارآمدی این مناطق در اشتغالزایی اثبات شده است، دولت‌مداران و نمایندگان مختلف مجلس با پروراندن چنین سودایی تیشه به ریشه امنیت شغلی مترازل کارگران می‌زنند، باید قبول کنیم در ادامه همین فرآیند سوداگرانه بود که امروز اتحادی بدیل کارگران صنعت نفت در لوای قوانین مختلف استخدای زیر دست پیمانکاران خرده ریز آنچنان رنگ باخته است که از کارگاه‌هایی که در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی دایرند صدایی جزه گرفتاری و ناراضی کارگران به گوش نمی‌رسد.

با حضور مدیر عامل مجتمع پتروشیمی خلیج فارس صورت گرفت:

تجلیل از آتش نشانان فداکار حادثه پتروشیمی بوعلی



مراسم تجلیل از آتش نشانان شرکت های پتروشیمی و سایر ادارات و سازمانهای منطقه ماهشهر و بندرامام خمینی (ره) با حضور مهندس نژاد سلیم مدیر عامل هلدینگ خلیج فارس و به میزبانی شرکت پتروشیمی بوعلی سینا در محل تالار اندیشه ی شهرک بعثت عصر دوشنبه ۲۸ تیرماه برگزار شد. به گزارش خانه نفت، در ابتدای این مراسم دکتر صاحب نسق مدیر عامل شرکت پتروشیمی بوعلی سینا ضمن خوش آمدگویی به مدعوین و قدردانی از همه ی آتش نشانان حاضر در صحنه عملیات مجتمع بوعلی سینا اظهار امیدواری کرد که با همت

و تلاش زیاد به زودی شاهد بازتولید این مجتمع باشیم. او همچنین پیشنهاد کرد که هر ساله در تاریخ ۹۵،۴،۱۹ مصادف با روز خاموش سازی آتش سهمگین مجتمع بوعلی سینا را به نام روز بدون حادثه در صنعت پتروشیمی بنامیم و در این روز از شرکتهایی که یکسال بدون حادثه را دارند تقدیر بعمل آید. همچنین آقای فرهنگ لواز مسوولان کمیته بحران پتروشیمی بوعلی سینا به تشریح شرایط حادثه و چگونگی کنترل آن پرداخت. در ادامه دکتر گلمرادی نماینده مردم ماهشهر در مجلس شورای اسلامی منطقه سخنران

بعدی مراسم قول ییگیری برای افزایش امکانات موجود در منطقه ی مستعد برای حوادث مشابه را داد. سخنران بعدی مراسم مهندس نژاد سلیم مدیر عامل هلدینگ خلیج فارس بود. وی نیز ضمن تشکر از همه آتش نشانان فداکار بر درس آموزی و اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از تکرار اینگونه حوادث تأکید کرد. وی گفت آرزوی من این بود که برای شکستن رکورد سال بدون حادثه در خدمت شما باشم. مهندس نژاد سلیم در مراسم تقدیر از آتش نشانان حادثه پتروشیمی بوعلی سینا با گرامیداشت یاد شهرام محمدی کارمند



تقدیر از کارگر پتروشیمی بوعلی سینا

کارگر جوشکار پتروشیمی بوعلی سینا که مخزن آن دچار آتش‌سوزی شده بود در نامه‌ای صادقانه به مدیر عامل، اعلام آمادگی کرده بود که تا زمان راه‌اندازی این واحد، دوروز از حقوق ماهیانه خود را به کمک برای این کار اختصاص دهد. آنگونه که روابط عمومی مجتمع پتروشیمی خلیج فارس اعلام کرده، پس از این نامه، نژاد سلیم مدیر عامل پتروشیمی خلیج فارس از این کارگر تقدیر کرد و قرار وی از بیمه‌کاری به قرارداد مستقیم تبدیل شد. وی همچنین معادل یک ماه حقوق پاداش دریافت کرد.



مدیریت واحد، تدبیر زنگنه برای مهار آتش در ماهشهر

مدیریت واحد، تدبیر زنگنه برای مهار آتش در ماهشهر

در جریان حادثه آتش‌سوزی پتروشیمی بوعلی سینا، مدیریت واحد با تدبیر و اقدامات فوری موفق شد آتش را مهار کند و از گسترش آن جلوگیری نماید. این اقدامات شامل استفاده از تجهیزات ایمنی، ایزوله کردن نشتی‌ها و همکاری با تیم‌های تخصصی امداد بود. مدیریت واحد همچنین با اطلاع‌رسانی به مراجع ذی‌صلاح، روند امداد و تعمیرات را تسهیل کرد. این اقدامات نشان‌دهنده تعهد مدیریت واحد به ایمنی و حفاظت از محیط کار است.

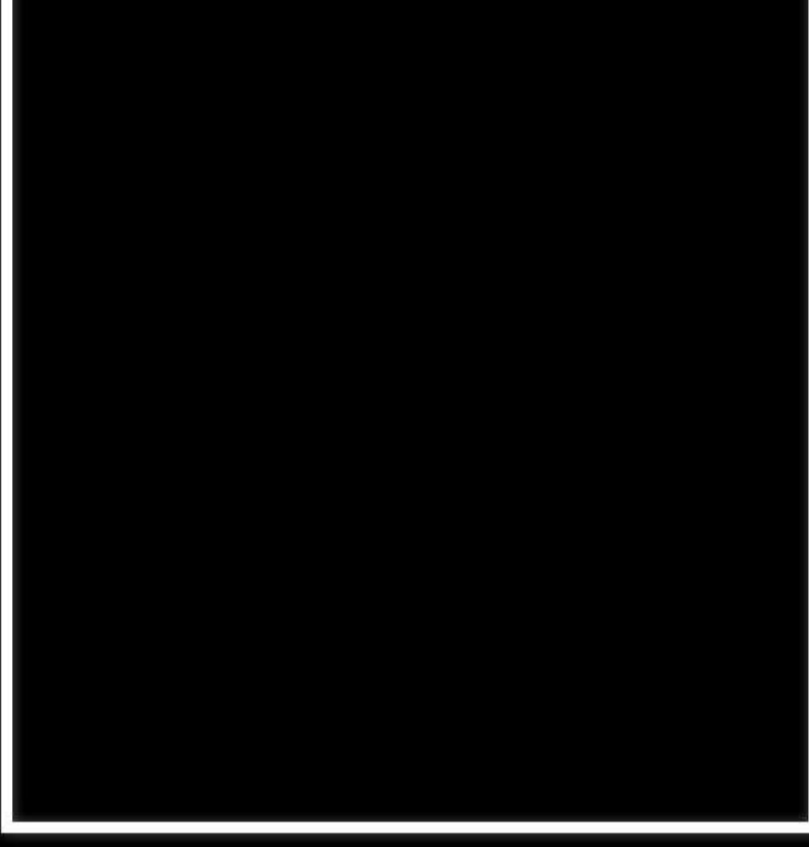
ظرفیت تولید پتروشیمی ۶۰ میلیون تن افزایش می یابد



عضو اصلی هیئت مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی از افزایش ظرفیت ۵۰ تا ۶۰ میلیون تنی محصولات پتروشیمی در برنامه ششم توسعه خبر داد. فرناز علوی در گفتگو با خبرنگار شانا اظهار کرد: برای طرحهای

جدید پتروشیمی در برنامه ششم توسعه ۲۵ میلیارد دلار در نظر گرفته شده است که در فازهای مختلف بر اساس منابع مالی مختلف تعریف می شود و این موضوع به به توانمندی سرمایه گذار در جذب شریکان خارجی و همچنین خطوط مالی اعتباری بین المللی بستگی دارد. وی با بیان این که انتظار داریم در طول برنامه ششم توسعه ۵۰ تا ۶۰ میلیون تن افزایش ظرفیت ایجاد کنیم، افزود: طبیعی است بخشی از این محصولات به عنوان محصولات پایه، در واحدها به مصرف می رسد و حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از مجموع آن به عنوان محصولات نهایی قابل عرضه به بازارهای داخلی و بین المللی است. عضو اصلی هیئت مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی پیش از این خبر داده بود که ۲۸ طرح جدید در برنامه ششم توسعه در بخش پتروشیمی تعریف شده است و تامین مالی این طرحها به طور مستقیم از طریق سرمایه گذاری خارجی تامین می شود. روند پرشتاب توسعه صنعت پتروشیمی ایران ادامه دارد و با بهره برداری از طرحهای توسعه ای در صنعت پتروشیمی تا سال ۱۳۹۹ شمسی یعنی پایان برنامه ششم توسعه، سهم کشورمان از تولید محصولات پتروشیمی در منطقه خاورمیانه به ۴۱ درصد خواهد رسید. یکی از اهداف صنعت پتروشیمی ایران در افق ۱۴۰۴ دستیابی به مقام نخست منطقه در صنعت پتروشیمی است که با توجه به دانش فنی موجود و تلاش متخصصان ایرانی رسیدن به این هدف ممکن خواهد شد و در این مسیر ۸ زنجیره ارزش برای تولید ۶۰ محصول برای برنامه ششم ریزی شده است. افزایش تولید یکی دیگر از اهداف برنامه ریزی شده در صنعت پتروشیمی ایران به شمار می رود و با وارد مدار تولید شدن مجتمع های جدید، ظرفیت تولید پتروشیمی تا پایان برنامه پنجم به یکصد میلیون تن خواهد رسید و تلاش برای افزایش تنوع و ارتقای محصولات تولیدی به عنوان یک هدف راهبردی زمینه را برای حضور در بازارهای داخلی و خارجی فراهم خواهد کرد. شرکت ملی صنایع پتروشیمی سال گذشته توانست حدود ۲۸ درصد از مجموع صادرات غیر نفتی کشور را به خود اختصاص دهد و تولید مجتمع های پتروشیمی نیز در منطقه خاورمیانه حدود ۲۵ درصد کل ظرفیت منطقه بود. ایران اکنون صادر کننده محصولات پتروشیمی به بیش از ۴۰ کشور جهان است و بازارهای جدیدی در حال فعال شده بوده به طوری که حدود ۴۰۰ میلیون نفر بازار هدف در کشورهای همسایه وجود دارند و با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک ایران این بازارها از اهمیت بسیاری برخوردار است و با توجه به نقش ایران در زمینه تامین نیازهای پایه برای دیگر کشورها، بدون تردید مسیر تحریم ها عوض خواهد شد. امروز مجتمع های پتروشیمی ایرانی با تولید انواع محصولات پلیمری و شیمیایی متنوع می توانند بسیاری از نیازهای داخلی را تامین کنند و خوشبختانه با برنامه ریزی های انجام شده، در آینده نزدیک کالاهایی که از خارج کشور وارد می شوند قابلیت تولید در داخل کشور را خواهند داشت. عسلویه و ماهشهر به عنوان دو قطب مهم تولید محصولات پتروشیمی در حال فعالیت هستند و طرح های توسعه ای پتروشیمی در بسیاری از استان های کشور در حال تکمیل و راه اندازی است که با تولیدی شدن این مجتمع ها زنجیره تولید بسیاری از محصولات پتروشیمی در داخل کشور تکمیل خواهد شد که افزون بر تامین نیاز داخل زمینه ساز افزایش صادرات نیز خواهد بود. صنعت پتروشیمی ایران برای به دست آوردن بازارهای جدید بین المللی و منطقه ای باید از اقتصاد تک محصولی فاصله گرفت و به عنوان یک راهبردی ملی، تمام توانیابا همکاری بیشتر، زمینه را برای رسیدن به این هدف آسان کنند و در صنعت پتروشیمی با تنوع تولید در سبد محصولات به دنبال ایجاد ارزش افزوده بیشتر بود. کارشناسان انرژی بر این اعتقادند که باید در زنجیره ارزش محصولات پتروشیمی تا انتهای زنجیره حرکت و همه انواع محصولات را در کشور تولید کنیم. از سوی دیگر در یک سال گذشته با بهبود نسبی وضعیت اقتصادی کشورهای توسعه یافته تقاضا برای خرید محصولات پتروشیمی در سطح جهان افزایش یافته است. آمارهای منتشر شده نشان می دهد که نرخ رشد محصولات پتروشیمی در جهان حدود ۶ درصد است و در بازارهای بین المللی همواره با افزایش تقاضا روبرو هستیم.

تکاهی به تاثیر تک ترخی شدن ارزش بر صنعت پتروشیمی؛ پتروشیمی ها در نوک پیکان ارزش تک ترخی



پایمدهای ابلاغ نرخ خوراک پتروشیمی ها؛ ابلاغ نرخ خوراک، عامل رشد سهام پتروشیمی ها؟



از سوی معاونت برنامه ریزی وزارت نفت؛

قیمت گاز تحویلی به شرکتهای پتروشیمی اعلام شد



معاونت برنامه ریزی وزارت نفت قیمت گاز طبیعی سبک و شیرین خوراک برای شرکتهای پتروشیمی را اعلام کرد که بر این مبنای قیمت هر متر مکعب استاندارد گاز طبیعی در فروردین ماه امسال ۲ هزار و ۳۱۳ رالو، اردیبهشت ماه ۲ هزار و ۴۶۴ رالو و خردادماه ۲ هزار و ۷۰۲ رالو تعیین و اعلام شد. اعمال تعرفه ها، عوارض، مالیات و حقوق قانونی دولت و همچنین مفاد ماده (۳) ابلاغیه یاد شده در قبض های گاز مصرفی صورت می پذیرد. متن کامل ابلاغیه شماره ۰۳۲۸۰-۵-۲۰۲/۲۰۲ وزیر نفت در تاریخ ۲۶ دیماه ۱۳۹۴ درباره خوراک گاز طبیعی واحدهای پتروشیمی در پی می آید: به استناد تکالیف و اختیارات ناشی از بند ۴ ماده ۱ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) و پیرو موافقت معاون اول محترم ریاست جمهوری، بدینوسیله قیمت گاز طبیعی سبک و شیرین تحویلی از شبکه سراسری گاز به عنوان خوراک واحدهای پتروشیمی به ترتیب زیر تعیین و جهت اجرا ابلاغ می شود:

ماده ۱- فرمول پایه محاسبه قیمت گاز سبک و شیرین تحویلی از شبکه سراسری گاز به عنوان خوراک واحدهای پتروشیمی به ترتیب زیر خواهد بود:

قیمت گاز طبیعی در بازار تعیین شده * ۰.۵ * ۴۰ = معدل وزنی قیمت داخلی، صادراتی و وارداتی

۰.۵ = قیمت گاز طبیعی الف-

■ فرمول قیمت خوراک پتروشیمی ها

تبصره- منظور از معدل وزنی قیمت داخلی، صادراتی و وارداتی، حاصل ضرب کل گاز فروخته شده منهای مقدار گاز وارداتی در متوسط قیمت فروش سایر مصارف داخلی (خانگی، تجاری، دولتی، عمومی، حمل و نقل و صنعت بدون احتساب فروش به پتروشیمی ها) به عنوان خوراک (به علاوه کل درآمد حاصل از صادرات گاز و نیز کل پرداختی برای واردات گاز، تقسیم بر مقدار

مصارف خوراک و سوخت ممکن نیست. نسبت سوخت و خوراک مصرفی در هر مورد بر اساس اعلام معاونت برنامه ریزی وزارتخانه تعیین و جهت انجام محاسبات و صدور صورتحساب به شرکتهای تابعه ذیربط ابلاغ می شود. ماده ۷- معاونت برنامه ریزی وزارت نفت مکلف است با رعایت این ابلاغیه، هر ماهه قیمت گاز طبیعی سبک و شیرین تحویلی از شبکه سراسری گاز کشور به عنوان خوراک واحدهای پتروشیمی را به صورت ریالی محاسبه و جهت اجرا به شرکتهای تابعه ذیربط ابلاغ کند. تبصره- مبنای تسعیر نرخ ارز در هر ماه متوسط نرخ تسعیر ارز رسمی بانک مرکزی خواهد بود.

فرمول قیمت تعیین شده، منوط به عقد قرارداد بلند مدت خرید خوراک گاز با شرکت ملی گاز ایران و اجرائی شدن آن است. ماده ۵- مبنای محاسبه و اعلام قیمت گاز، مترمکعب مصرفی خواهد بود و در مواردی که قیمت گاز در هابهای جهانی به میلیون Btu اعلام می شود در محاسبات هر ۲۸.۳ مترمکعب گاز معادل یک میلیون Btu فرض می شود. ماده ۶- منظور از خوراک مصرفی واحدهای پتروشیمی، همه مصارف واحدها پس از کسر مصارف سوخت آنهاست. در مجتمع های پتروشیمی و مناطق ویژه اقتصادی انرژی و پتروشیمی که به دلیل سامانه درونی شرکتهای خریدار گاز طبیعی، ستجش جداگانه میزان

ماده ۲- برای حفظ رقابت پذیری صنایع پتروشیمی متوسط قیمت گاز طبیعی خوراک این صنایع در هیچ حالتی از تودر صد قیمتی که بر اساس بند ب ماده یک این ابلاغیه محاسبه می شود، بیشتر نخواهد شد. ماده ۳- قیمت گاز طبیعی موضوع این ابلاغیه از ابتدای فروردین تا انتهای شهریور ۱۰ درصد کمتر از قیمت های محاسبه شده در ماده ۱ و از ابتدای مهرماه تا انتهای اسفندماه ۱۰ درصد بیشتر از قیمت های محاسبه شده در ماده ۱ است. ماده ۴- این فرمول قیمت از ابتدای سال ۱۳۹۵ تا ابتدای سال ۱۴۰۵ معتبر است. تبصره- برای واحدهای در دست بهره برداری و نیز طرحهای در دست اجرا و یا جدید، اعمال

گاز فروخته شده برای سایر مصارف داخلی (خانگی، تجاری، دولتی، عمومی، حمل و نقل و صنعت غیر خوراک پتروشیمی ها) به علاوه مقدار صادرات گاز است (برابر با فرمول ذیل). این معدل در هر نیمه سال شمسی بر مبنای عملکرد نیمه گذشته سال محاسبه و ملاک عمل قرار خواهد گرفت. ب- منظور از قیمت گاز طبیعی در بازار تعیین شده عبارت است از متوسط قیمت گاز در هر ماه در هابهای تعیین شده به عنوان نشانگر قیمت های عمده فروشی گاز طبیعی در مناطق رقیب در توسعه صنعت پتروشیمی ایران، شامل هتری هاب آمریکا، هاب آلبرتا کانادا و هابهای NBP انگلیس و FFT هلند.

اهمیت ایمنی در واحدهای صنعتی

حسین رضازاده کاور، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی هیدرولیک و محمد رضا ترکی مدیر اداره HSE پالینگ آیدان

حفظ سلامتی فیزیکی انسان از گذشته به قدمت تمدن انسان مورد توجه بوده است، با پیشرفت تمدن بشری، توجه و راهکار متناسب با شیوه‌های ادامه زندگی تغییر یافت تا این که در روزگار معاصر صنعت به راهکاری اقتصادی از سوی کشورها برای افزایش بازدهی اقتصادی بدل شد و بدون شک صنعت نفت از استخراج تا صادرات یکی از پیچیده‌ترین صنایع است که برای سرمایه‌انسانی و ادوات همراه با خطرناکترین حوادث ممکن همراه است. ایمنی در حقیقت معیاری برای دور بودن از خطر یا رهایی از ریسک غیر قابل قبول یک خطر است. در حالت کلی کاهش تلفات مالی و جانی در واحدهای صنعتی ارتباط مستقیم با افزایش سوددهی اقتصادی، کاهش هزینه‌ها، صرفه جویی در زمان اختصاص یافته، جلوگیری از افت روحیه کارگران دارد.

دلایل عمده ایجاد حوادث در محیط‌های صنعتی عبارتند از: - عقب افتادن زمان اتمام مسئولیت‌های محوله سبب ایجاد فشار به کارکنان شده و کار چند برابر سبب خستگی و سرانجام ایجاد حادثه می‌شود.

- کمبود کمی تعداد نیروهای ایمنی نسبت به واحدهای صنعتی و تعداد کارگران احتمال افزایش حوادث را بالا برده است.

- استفاده نکردن از تجهیزات ایمنی در مواقع حساس که در این حالت نیاز به سرکشی بازرسی ایمنی را چند برابر می‌کند. - پرداخت نشدن مطالبات قانونی قشر کارگر، اختلال حواس و بی‌اعتمادی آنها به سیستم مدیریتی سرانجام سبب کاهش دقت در انجام وظیفه محوله می‌شود.

الزام‌ها و استانداردهای مدیریتی در ایمنی که مطابق بر استانداردهای ایزو ۹۰۰۰ و ایزو ۱۴۰۰۰ تعیین شده‌اند، عاملی می‌شود تا سیستم‌های مدیریت در جهت افزایش بازدهی اهداف مورد نظر قدم بردارد. استانداردها مطابق ایزو ۹۰۰۰ عبارتند از:

مسئولیت مدیریتی، سیستم ایمنی، قابلیت ایمنی سازمان، ایمنی در طراحی و توسعه، کنترل مستندات ایمنی، ارزیابی تأسیس کنندگان و پیمانکاری، کنترل تجهیزات پیمانکاران، شناسایی و ردیابی خطرات ایمنی در عملیات، اندازه‌گیری و تجهیزات اندازه‌گیری، وضعیت بازرسیها، نارساییهای ایمنی، اقدام‌های اصلاحی و پیشگیرانه، حمل و نقل و جابجایی، حفظ سوابق ایمنی، برنامه ممیزی، استخدام و جابجایی سرمایه انسانی، توصیه‌های ایمنی، روش‌های آماری.

این استانداردها مطابق ایزو ۱۴۰۰۰ عبارتند از: الزام‌های کلی، طرح ریزی، اجرا و عملیات، بررسی، بازرسی مدیریتی.

در حالت کلی و با توجه به گزارش‌های ارائه شده از اداره کار ۸۰ درصد خطاهای ناشی از حوادث کار مرتبط به کارفرما و ۲۰ درصد سهم کارگران است.

با بررسی انجام شده از سوی وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی سقوط از بلندی با ۷۹۰ مورد، برخورد با جسم سخت با ۳۶۹ مورد و برق گرفتگی از عمده‌ترین دلایل رشد خیره‌کننده حوادث بوده‌اند که ۹۰ درصد دلایل این حوادث به دلیل نبود آموزش اتفاق افتاده است. از دیگر عوامل تأثیرگذار که وزارت کار اعلام کرده به استفاده از لوازم‌بی حفاظ، نور ناقص، تهویه نامطلوب، لباس خطرناک اشاره کرد. اکنون به بررسی آنالیز حوادث عملی با استفاده از دلایل و راهکارهای تئوری می‌پردازیم. با استفاده از یک تحلیل عددی تأثیر نیروهای ایمنی در هر چهار مورد یادشده از طرف وزارت کار به چشم می‌خورد و بی‌احتیاطی کارگر و استهلاک وسایل هر کدام در ۲ مورد موثر است. با تجزیه و تحلیل مشخص شده حدود ۹۰ درصد از دلایل ایجاد حوادث در صنعت به نبود آموزش اختصاص دارد. بنابراین با برطرف کردن مشکل آموزش می‌توان به ایجاد فرهنگ ایمنی امیدوار بود. با تحلیل انجام شده اقسام آموزش در این راستا عبارتند از:

برگزاری کلاسهای آموزشی برای سرکارها، افزایش کلاسهای آموزشی برای کارگران، تقسیم اطلاعات در محیط‌های کاری، با توجه به این که ۷۰ درصد از حوادث از جانب کارفرما اتفاق می‌افتد سهم توجه به سرکارگران در این قضیه بالاست.

شمارش معکوس برای ارز تک نرخی آغاز شد؛

تأثیر ارز تک نرخی در صنعت پالایش

خود برای سال ۹۵ را با دلار محدود ۳ هزار تومان بسته‌اند و تک نرخی شدن ارز هر چه در سطوح بالاتری قرار بگیرد سبب جهش بیشتری در سودآوری شرکت‌های پالایشی خواهد شد.

لازم به ذکر است در دولت قبلی رشد یک باره قیمت ارز دولتی از سطوح ۱۲۰۰ تومان به ۲۸۵۰ تومان سبب شد تا سود صنعت پالایش با جهش چندین برابری همراه شود. در چنین مقطعی با کمک نفت ۱۰۰ دلاری به یک باره شاهد جهش‌های سنگینی در قیمت سهام پالایشی بودیم که مثال بارز آن رشد قیمت سهام پالایش نفت تهران از محدوده ۷۵۰۰ تومان به بیش از ۱۰۰ هزار تومان بار شد سهام پالایش نفت بندرعباس از ۱۲۰۰ تومان به بیش از ۱۲۰۰ تومان و به تبع آن رشد سودآوری این شرکت‌ها بودیم.

در نهایت پیش‌بینی می‌شود صنعت پالایش به تک نرخی شدن ارز حساسیت بسیار مثبتی داشته و تعیین نرخ‌های بالا به خصوص بالاتر از ۳۲۰۰ تومان می‌تواند این صنعت را با رونق و توجه بیشتری همراه ساخته و باعث رشد سودآوری و کاهش مشکلات این صنعت شود.



ریس استاقت بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران از احتمال تک نرخی شدن ارز تا یک ماه آینده خیر داد. اما تک نرخی شدن ارز در صنایع پالایشی چه تأثیری خواهد داشت؟ نظرات مختلفی در مورد تک نرخی شدن ارز مطرح می‌شود. برخی نرخ ۳۲۰۰ تومان و برخی نرخ ۳۴۰۰ و برخی دیگر حتی نرخ‌های ۳۶۰۰ تومان را برای تک نرخی شدن ارز مطرح می‌کنند. در حالی که قیمت فعلی دلار دولتی ۳۰۸۵ تومان و دلار آزاد در محدوده ۳۵۰۰ تومان قرار دارد پس با وضعیت موجود قیمت‌های ۳۰۰۰ تومان تقریباً برای تک نرخی شدن ارز منتهی است و نرخ بین ۳۲۰۰ تا ۳۶۰۰ تومان محتمل تر به نظر می‌رسد. حال در صنعتی مانند صنایع پالایشی، نرخ گذاری چه خرید مواد اولیه و چه فروش محصولات بر اساس ارز دولتی صورت می‌گیرد. به دلیل حجم بالای فروش و خرید مواد اولیه کوچکترین تغییراتی در این دو سرفصل باعث تغییرات شدیدی در سودآوری شرکت‌های پالایشی خواهد شد. برای مثال خرید مواد اولیه قیمت نفت ضربدر قیمت دلار

دولتی و قیمت ریالی خرید مواد اولیه و برای فروش نیز به همین منوال خواهد شد. حال تأثیر گذاری ارز زمانی صورت می‌پذیرد که توجه داشته باشیم در فروش و بهای تمام شده شرکت‌های پالایشی با توجه به ثابت تخفیف ۵ درصدی هر چه این رقم بزرگتر شود حاشیه سود پالایشی‌ها افزایش بیشتری خواهد یافت. برای مثال حاشیه سود ۵ درصدی در فروش ۱ میلیون تومانی برابر با ۵۰ هزار تومان و در فروش ۵۰۰ هزار تومانی برابر با ۲۵ هزار تومان است. در این بین اکثر شرکت‌های پالایشی بودجه

مولف‌های موفقیت در شرکت‌های نوپای E&P



دکتر سید علی حسینی، مدیر عامل شرکت پالایش نفت تهران



رییس سازمان محیط زیست تشریح کرد:

حذف بنزین پتروشیمی ها اولین اثر لغو تحریم



تهران از مضرات این بنزین گزارش گرفتیم. مدتی بعد دانشگاه شهید بهشتی هم که در این زمینه کار کرده بود بررسی انجام شده را تایید کرد. در شورای شهر گفتند: این موضوع باعث تضعیف امنیت ملی می شود در حالی که این هم نوعی تضعیف امنیت است که مردم را در معرض یک ماده ی خطرناک قرار دهیم و این مساله هم می تواند یک تهدید باشد.

می دانیم که مقاومت یک بحث آگاهانه و ارادی است. برخی موضوع را با دوران دفاع مقدس مقایسه می کردند در حالی که در آنجا برای مردم مساله مشخص و روشن بود مردم اراده می کردند و می رفتند! اما در اینجا برای مردم چه چیزی روشن است؟ مردم در برابر چه چیزی مقاومت می کنند و آیا می دانند چه آسیبی به آنها وارد می شود؟ آیا مردم در این تصمیم دخالت داده شده بودند؟ آیا این مقاومت را در قالب های دیگر نمی شود ادامه داد؟ آیا با برنامه ریزی نمی شود جلوی این آسیب را گرفت؟ چه کسانی برای مقاومت به خط مقدم این موضوع فرستاده می شوند و چه کسانی اینجا بیشترین آسیب را می بینند؟ بچه های کوچک بیشترین آسیب را می بینند و این درست نیست که ما کودکان را در معرض چنین آسیبی بزرگی قرار دهیم.

سال ۹۴ بهتر بود، سال ۹۳ در حدود پنج و شش بوده است و در سال ۹۴ دوباره بالاتر رفت، این افزایش به این دلیل است که بحث ادامه ی تحریم ها و محدودیت ها هنوز وجود دارد و بنزین وارداتی با کیفیت خوب پیدانمی شود. میزان آلاینده ی بنزین از هزار به حدود بیست کاهش یافته است. متوسط آلاینده های بنزین در سال های قبل ۵۰۰ بوده است و ۱۰۰۰ که من اشاره کردم مربوط به یک ایستگاه بوده است. بعضی هم ابزار به دست اندازه گیری دقیق می کنند، یک روز مقدار آلاینده ها کمی بالاتر رفته باشد جهت گیری کلی را زیر سوال می برند، این طور نیست؟

بی اخلاقی در این مساله به اوج رسید و تهمت های آشکار در این مساله به ما زده شد مثلاً گفتند همسرم چون بنزین وارد می کند به دنبال این موضوع رفته ام، این تهمت ها باعث شد ما شکایت کنیم و بعد هم ثابت شد این تهمت ها منطقی ندارد. مجلس نهم برای اینکه ثابت کند این موضوع اصلاً اهمیتی نداشته است و ما داریم بزرگنمایی می کنیم تلاش های فراوانی کرد. در حالی که موضوع خیلی اهمیت داشت. آن موقع در شورای شهر تهران بودم که مساله ی بنزین خودکفایی مطرح شد و من به آن اعتراض داشتم. چندین بار در شورای شهر

کنند. کسی مخالف این اصل که ما در برابر یک فشار خارجی مقاومت کنیم و در تولید ملی به خودکفایی برسیم نیست، ما با این مخالفیم که مردم را در برابر یک آسیب پذیری جدی قرار دهیم. در سال ۸۹ درصد آلاینده ی بنزین در بعضی نقاط تهران از جمله منطقه تجریش به هزار رسید و این مقدار هزار برابر استاندارد جهانی است. سازمان بهداشت جهانی حتی یک درصد بنزین را هم مضر و آسیب زا می داند.

■ شما چگونه تولید آن نوع بنزین را متوقف کردید؟ آیا سراغ پالایشگاه ها رفتید و از آنها خواستید تولید این نوع بنزین را متوقف کنند؟ یا پیشنهاد واردات دادید؟

ما از وزیر نفت خواستیم به هر طریقی که می تواند تولید این نوع بنزین را متوقف کند. زیرا این مساله با تنفس مردم در ارتباط است.

■ پالایشگاه ها چطور در این زمینه با شما همکاری کردند؟

پالایشگاه ها تلاش کردند استاندارد بنزین شان را بالا ببرند و آن را به بنزین یورو ۴ و یورو ۵ برسانند. پالایشگاه های تهران و بعضی استانها همکاری گسترده ای داشتند. رسیدگی به این موضوع چند ماهی طول کشید. مابه چگونگی رسیدگی به این مساله کاری نداشتیم و نتیجه ی نهایی و بهبود کیفیت بنزین را می خواستیم. خوب بحثخانه متحنی کیفیت هوای شهر تهران نشان می دهد که بنزین در هوای شهر تهران به طرز بسیار محسوس کاملاً کاهش پیدا کرده است.

■ در دو سه سال اخیر این مقدار به چه حدی رسیده است؟

متحنی نشان می دهد که سال ۹۳ کیفیت هوای شهر از

وزارت نفت فرستادیم و وزارت نفت هم تایید کرد. آقای زنگنه وزیر نفت دستور داد بنزین پتروشیمی از چرخه حذف شود این در حالی بود که تولید آن هنوز ادامه داشت. تلاش های خوبی در پالایشگاه های کشور انجام شد و آنها مستولانه تلاش کردند چون این مساله بسیار خطرناک بود و عوارض بدی را بر روی مردم داشت. در مقابل گفته های شما برخی دو موضوع را مطرح می کنند: یکی این که آن اقدام به این دلیل بود می خواستند به غرب پیام دهند تحریم بنزین نمی تواند ما را تسلیم کند، دیگر این که عده ای گفته ی شما را اغراق آمیز می دانند و این مساله ای را که درباره خطرناک بودن بنزین پتروشیمی می گویند را از اساس قبول ندارند.

در مجلس نمایندگان پایداری و وزیر مربوطه ی دوره ی قبل مدت ها همین بحث را داشتند و می گفتند این بحث اغراق آمیز است. آنها معتقد بودند این مساله پیام مقاومت را تضعیف می کند و وابستگی می آورد. در حالی که مقاومت تعریف دارد و ما مقاومت را باید بر اساس اصولی انجام دهیم. در دولت هفتم و هشتم پیشبرد برنامه های هسته ای ادامه داشت اما خط قرمز آنها تحریم ها بود. یعنی در دولت آقای خاتمی هیچ گونه قطعنامه ای علیه ایران در شورای امنیت صادر نشد. دولت قبل این خط قرمز را برداشت. به خاطر برخورد های تندى که انجام شد قطعنامه های گوناگون علیه ایران صادر شدند و تحریم ها توسعه پیدا کرد. تحریم بنزین هم اتفاق افتاد. دولت وقت می توانست در موضوع بنزین واقعیت ها را به مردم بگوید و از مردم بخواهد که کمتر بنزین مصرف

رییس سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه میزان آلاینده ی بنزین پتروشیمی ها در سال ۱۳۸۹ هزار برابر حد استاندارد بود، گفت: آلاینده ی بنزین از ۱۰۰۰ به ۲۰ کاهش یافته است.

معصومه ابتکار در گفت و گو با سایت امید هسته ای که به مناسبت سالگرد برجام انجام شده، حذف بنزین پتروشیمی ها را از اولین آثار تحریم ها ارزیابی کرد و گفت: آن سالی که تحریم بنزین شروع شد سیاست اشتباهی را دولت وقت شروع کرد و بنزین را با ترکیبات پتروشیمی مخلوط کرده بود. این بنزین تحت عنوان بنزین خودکفایی معروف شد و آثار و تبعات منفی بر زندگی مردم گذاشت. این مساله یکی از اولین آثار تحریم ها بود ولی در کنار تحریم ها، سوء مدیریت به مشکلات دامن زد. برای حل مشکل تحریم بنزین، ترکیبی را وارد آن کردند که بسیار خطرناک بود.

■ این ترکیبات را چگونه ایجاد کردند؟

ترکیبی را که وارد بنزین کردند ترکیبی بود که در مجتمع های پتروشیمی کشور تولید می شد و اصلاً با استانداردها و ضوابط اولیه ی ساخت و کیفیت بنزین سازگاری نداشت. چند سال شهر های ما متأسفانه تحت تاثیر این وضعیت بودند و بنزین پتروشیمی باعث شد میزان آلاینده ها در شهر های بزرگ افزایش یابد. این مساله مخاطرات و تبعات زیادی را برای شهروندان ایجاد کرد. یکی از اولین اقداماتی که دولت یازدهم در سال ۹۲ انجام داد این بود که به این زمینه وارد شد و پرونده ی این موضوع را تشکیل داد. ما بررسی هایمان را به

پخش علمی مهر و می تشریح کرد

کاهش مهارت نیروی انسانی، پاشنه آشیل صنعت نفت



کاهش مهارت نیروی انسانی، پاشنه آشیل صنعت نفت

مهندس علی مهر و می تشریح کرد

کاهش مهارت نیروی انسانی، پاشنه آشیل صنعت نفت

درسهای مدیریت بحران حوادث صنعتی آمریکا برای ایران

نادعلی بای

بر اساس تئوری تکب بحران در حادثه پتروشیمی بوعلی ماهشهر، عنصر غافلگیری وجود داشت و زمان واکنش کم و تهدید زیاد بود. در آمریکا بعضی از حوادث مانند انفجار مواد شیمیایی و انتشار مواد مضر برای سلامتی انسانها تا اندازه زیادی قابل پیشگیری هستند. پیشنهاد می‌گردد سازمانی همچون «سازمان ایمنی شیمیایی آمریکا» با توجه به حادثه ساز بودن صنایع شیمیایی، نفت و گاز و خطوط لوله کشور، در کشور تشکیل گردد تا بتواند مدیریت جامعی در پاسخگویی به بحران داشته باشد تا اینکه جزیره ای عمل شود.

بحران آتش سوزی در قلب پتروشیمی ایران، یک بار دیگر زنگ هشدار را برای مسوولان در باره جدی گرفتن موضوع بسیار مهم HSE و لزوم استفاده از تجهیزات و تکنولوژیهای به روز هشدار، کنترل، واکنش و ویژه UAS و مهمتر از همه یکبارچه عمل کردن آنها را به صدا در آورد. بر اساس تکب بحران در حادثه پتروشیمی بوعلی ماهشهر، عنصر غافلگیری وجود داشت و زمان واکنش کم و تهدید زیاد بود. گزارش ذیل نگاه مختصری به مدیریت بحران حوادث صنعتی در ایالات متحده دارد باشد، که در سهای لازم آموخته شود.

سازمانهای مدیریت بحران نقش حیاتی را در زمان وقوع بلایا و بحرانها ایفا می‌نمایند. ایالات متحده آمریکا، جزو ۱۰ کشور اول بلاخیز دنیا می‌باشد. سازمانهای مدیریت بحران ایالات متحده آمریکا کوششند تا بحران را در پایتختین سطح کاهمان دارد مدیریت نموده و کنترل نمایند. وقوع حوادث ترومستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مدیریت بحران ایالات متحده را وارد دوران جدیدی نمود، امنیت داخلی و مقابله با تروریسم به اولویت اول نهادهای مسوول تبدیل گشت و بدین منظور وزارت امنیت سرزمینی در سال ۲۰۰۲ تاسیس گردید و ۲۳ آژانس فدرال از جمله آژانس مدیریت بحران فدرال تحت نظر

آن قرار گرفتند و در واقع سطح تاثیر گذاری مدیریت بحران یک کام به عقب بازگشت. سازمانهای مسوول مدیریت بحران در آمریکا عبارتند از: ۱- وزارت امنیت سرزمینی ۲- آژانس مدیریت بحران فدرال ۳- موسسه ملی استاندارد و فناوری ۴- سازمان زمین شناسی ایالات متحده ۵- بنیاد ملی علوم ۶- وزارت مسکن ۷- اداره خدمات عمومی ۸- سپاه شهروندان ۹- وزارت دفاع ۱۰- گارد ملی ایالات متحده ۱۱- سپاه مهندسان ارتش ایالات متحده

آژانس مدیریت بحران فدرال (فما) به دلیل پراکنده بودن کمک رسانی به آسیب دیدگان بلاای طبیعی، و موازی عمل کردن سازمانهای مختلف در این زمینه و ایجاد تداخل در انجام امور؛ دولت مرکزی تصمیم گرفت که تمام کمک‌ها فقط از طریق یک سازمان و تشکیلات انجام شود. بدین ترتیب در سال ۱۹۷۹ طی فرمانی از سوی جیمی کارتر، رئیس جمهور وقت کلیه سازمانهای کمک رسانی در زمان وقوع بلابادر هم ادغام و سازمان جدید آژانس مدیریت بحران فدرال (Federal Emergency Management Agency) (FEMA) به وجود آمد. به دنبال این تصمیم، فما از میان دیگر آژانس‌ها، تشکیلات زیر را در خود جای داد: اداره بیمه دولت مرکزی، اداره ملی کنترل و جلوگیری از آتش سوزی، برنامه آمادگی جامعه خدمات ملی وضع هوا،



آژانس آمادگی دولت مرکزی در اداره خدمات عمومی و بالاخره، اداره کمک رسانی دولت فدرال، مسوولیت‌های دفاع غیر نظامی، بخش دفاع نیز به آژانس جدیدی به نام آژانس آمادگی دفاع غیر نظامی انتقال یافت. سازمان جدید فما گسترش یک سیستم کامل مدیریتی را با دریافتی برای تمام بلاای آغاز نمود. این دریافت شامل هدایت، کنترل و سیستم‌های هشدار که در تمامی بحران کوچک و بزرگ مشترک هستند، می‌باشد. سازمان جدید یک سیستم کامل مدیریتی بحران را به اعلام اختلالات به موقع و کنترل آن بود شامل تمام زمینه‌هایی که برای کشور مخاطره ایجاد می‌کنند حتی مواردی مانند بروز جنگ، فعالیتهای تروریستی و غیره. سازمان جدید با چالش‌های فراوانی از جمله تنظیم برنامه ریزی جهت مدیریت بحران ناشی از بلاای طبیعی، رویرو شد. فما که در ۱ آوریل سال ۱۹۷۹ به دستور جیمی کارتر به منظور واکنش بهتر کشور آمریکا به حوادث غیر مترقبه بلاای خاص توفندها تاسیس شد. در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان نقش مقابله با حملات اتمی احتمالی شوروی علیه آمریکا را نیز به وظایف آن افزودند و در پی این اقدام بود که مناقشاتی بین این سازمان و وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا بوجود آمد. در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون این سازمان بسیار گسترش پیدا کرد و مأمور شد تا مناطق حادثه خیز کشور ایالات متحده آمریکا را شناسایی و طبقه‌بندی کند. هر چند مأموریت اصلی این سازمان در مقابله با اثرات مخرب بلاای طبیعی و دست ساخته بشر و به منظور کاهش خسارات و تلفات در داخل کشور ایالات متحده آمریکا می‌باشد ولی از زمان تاسیس تا حملات ۱۱ سپتامبر این سازمان مسوولیت اجرای دفاع غیر نظامی (پدافند غیر عامل) در آمریکا را بر عهده داشت. در ۱ مارس ۲۰۰۳ سال ۲۰۰۳ و به دستور جورج دبلیو بوش به یکی از سازمانهای زیر مجموعه وزارت امنیت سرزمینی تبدیل شد تا علاوه بر وظایف تعریف شده، در مبارزه علیه تروریسم نیز شرکت داشته باشد. در همان زمان ۲۲ سازمان فدرال دیگر آمریکا نیز در این سازمان ادغام شدند تا توانایی فما در برابر اسوانج طبیعی و دست ساز بیشتر شود.

امروزه رئیس فما گزارش‌های عملکرد سازمان تحت امرش را مستقیماً به وزیر امنیت سرزمینی ارائه می‌دهد. مأموریت‌های شاخص آژانس مدیریت بحران فدرال (فما) عبارتند از: توفند اندرو (۱۹۹۲)، توفند فرانسیس (۲۰۰۴)، توفند کاترینا (۲۰۰۵)، طوفان پرف بوفالو (۲۰۰۶)، آتش سرکش کالیفرنیا (۲۰۰۰) و غیره.

آژانس مدیریت بحران فدرال آمریکا سازمان مستقلی است که مستقیماً به رئیس جمهور گزارش می‌دهد. وظایف این سازمان در زمان تاسیس به شرح زیر مشخص شده است: «کاهش تعداد کشته شدگان و خسارت دیدگان ناشی از حوادث غیر مترقبه، کم کردن خسارت یا جلوگیری از تخریب خانه و کاشانه مردم، حفاظت از ارکان اساسی و اصلی کشور در برابر حوادث غیر مترقبه، تعدیل خسارات ناشی از حوادث غیر مترقبه و آمادگی کامل جهت پاسخ به نیازها و در نهایت کنترل بحران بوجود آمده و بهبود اوضاع طی یک برنامه مدون کامل و فراگیر»

از دیگر وظایف این سازمان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ارائه پیشنهاد جهت ساخت و سازهای ساختمانی، مدیریت کنترل سیل، آموزش همگانی جهت آمادگی در مقابل حوادث غیر مترقبه، کمک جهت تهیه وسایل لازم برای کمک رسانی و امداد در سطح ایالتی، هماهنگی لازم جهت کمک رسانی به آسیب دیدگان یک حادثه، کمک به ایالات حادثه دیده شامل شرکت‌های خسارت دیده و مراکز بازرگانی و افراد آسیب دیده، آموزش مدیران مراکز اورژانس - کمک به سازمان آتش نشانی - مدیریت بیمه‌های حوادث غیر مترقبه از جمله سیل و توفان و نظایر آن.

هدف اصلی فما مدیریت حوادث غیر مترقبه، پیش بینی آنها و اقدام بود که مناقشاتی بین این سازمان و وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا بوجود آمد. در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون این سازمان بسیار گسترش پیدا کرد و مأمور شد تا مناطق حادثه خیز کشور ایالات متحده آمریکا را شناسایی و طبقه‌بندی کند. هر چند مأموریت اصلی این سازمان در مقابله با اثرات مخرب بلاای طبیعی و دست ساخته بشر و به منظور کاهش خسارات و تلفات در داخل کشور ایالات متحده آمریکا می‌باشد ولی از زمان تاسیس تا حملات ۱۱ سپتامبر این سازمان مسوولیت اجرای دفاع غیر نظامی (پدافند غیر عامل) در آمریکا را بر عهده داشت. در ۱ مارس ۲۰۰۳ سال ۲۰۰۳ و به دستور جورج دبلیو بوش به یکی از سازمانهای زیر مجموعه وزارت امنیت سرزمینی تبدیل شد تا علاوه بر وظایف تعریف شده، در مبارزه علیه تروریسم نیز شرکت داشته باشد. در همان زمان ۲۲ سازمان فدرال دیگر آمریکا نیز در این سازمان ادغام شدند تا توانایی فما در برابر اسوانج طبیعی و دست ساز بیشتر شود.

سازمان‌های ذیربط، تسهیل برای استفاده از سیستم‌های هشدار دهنده و اطفاء حریق برای ساختمان‌ها و یا کمک به سرویس‌های اورژانس جهت آموزش مردم از جمله مواردی است که در جهت پیشگیری اعمال می‌شود.

آخرین اسامی از مدت‌ها بحث و بررسی و تحقیق و توسعه نهایتاً آژانس مدیریت بحران آمریکا رسماً به ارائه و استفاده از برنامه موبایل (Mobile App) آمادگی در برابر بحران اقدام کرد. این برنامه موبایل به مردم کمک می‌کند تا با دریافت اطلاعات لازم از طریق سیستم‌های موبایل بتوانند بهتر در برابر بحرانها آماده شوند.

سازمان ایمنی شیمیایی ایالات متحده در آتش سوزی مجتمع الفین کیسمار در لوتین پاندر ۱۳ ژوئن ۲۰۱۳، تیمی از سازمان ایمنی شیمیایی ایالات متحده U.S. Chemical Safety Board (CSB) به ریاست دان هالمسترام مدیر دفتر منطقه ای این سازمان تحقیقات خود را آغاز کرد. این سازمان مسوول تحقیقات در مورد حوادث شیمیایی صنعتی است. اعضای این سازمان توسط رئیس جمهور انتخاب شده و توسط سنا مورد تایید قرار می‌گیرند. تحقیقات این سازمان همه جوانب حوادث شیمیایی از جمله عوامل طبیعی و فیزیکی همچون نقص تجهیزات و همچنین ناکافی و ناکارآمد بودن قوانین، استانداردهای صنعتی و سیستم‌های مدیریت ایمنی را مورد توجه قرار می‌دهد. رافائل موره - آراسو رئیس هیات ایمنی شیمیایی ایالات متحده در ۲۷ ژوئن یعنی دو هفته بعد از حادثه در برابر کمیته محیط زیست و اقدامات دولتی سنا به ارائه گزارش در مورد این حادثه پرداخت و علت حادثه را فروریختن مخزن کود نیترا آمونیوم که منجر به ایجاد چندین گودال شد اعلام کرد. مورد اخیر دیگر آتش سوزی مجتمع شیمیایی تکراس در کورنول در شمال هوستون در ۱۵ اکتوبر ۲۰۱۵ بود. در همه حوادثی از این دست هم اصول مدیریت بحران و مبارزه با آن یعنی آمادگی،

ساختار اداری فما: فما دارای دفاتر و بخشهای زیر می‌باشد ۱- دفتر ریاست آژانس، ۲- رئیس کارکنان بخشها نیز عبارتند از: ۱- بخش پیشگیری، ۲- بخش آمادگی، ۳- بخش مقابله، ۴- بخش بازنوایی ساختار اداری فما به نسکی طراحی شده است که دقیقاً کارها و وظایف اجرایی آن را در چرخه مدیریت بحران یعنی: کاهش اثرات، آمادگی، پاسخ و بازسازی، مشخص می‌کند. فما همچنین شامل سازمان آتش نشانی (که خدمات آتش سوزی ملی را پشتیبانی می‌کند) و سازمان بیمه مرکزی (که املاک و مستغلات مالکین کل کشور را در برابر سیل بیمه می‌کند)، نیز می‌باشد. مدیریت حوادث غیر مترقبه از دیگر بخشهای فماست.

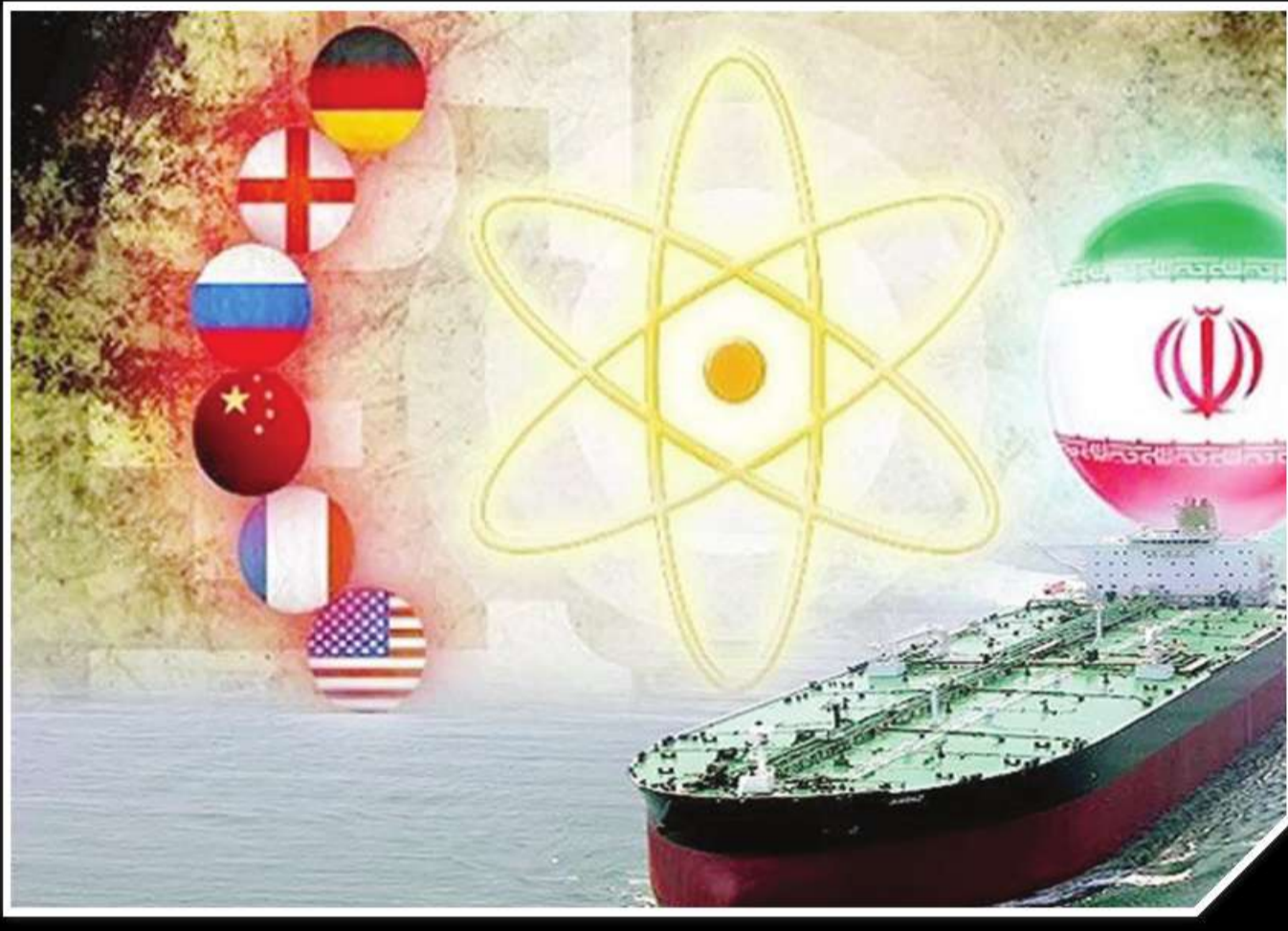
ادارات منطقه ای فما: فما دارای ۱۰ دفتر منطقه ای می‌باشد که هر کدام از این دفاتر منطقه ای تعدادی از ایالات آمریکا را در بر می‌گیرد. این دفاتر مستقیماً با دولت‌های ایالات مختلف آمریکا کارهای برنامه ریزی، توسعه برنامه‌های کاهش آثار بلاای، و بر طرف نمودن نیازها به هنگام وقوع فعالیت می‌نمایند.

وظایف اجرایی مدیریت بحران در فما توجه به چرخه بحران و وظایف اجرایی مدیریت بحران را که فما با آن درگیر است مشخص می‌نماید. چرخه بلاای، فرآیندی را تشریح می‌کند که طی آن مدیران بحران جهت مقابله با بلاای و بحران‌ها آمادگی می‌یابند، نسبت به وقوع این گونه حوادث واکنش نشان می‌دهند، به مردم جهت بازسازی کمک می‌کنند. اثرات بلاای را کاهش می‌دهند. از میزان خطر کاسته و نهایتاً از بروز بلاای چون آتش سوزی جلوگیری به عمل می‌آورند. در هر یک از مراحل این چرخه، مشارکت فما در ساخت و حمایت از ساختار مدیریت بحران دیده می‌شود.

مهمترین وظایف فما عبارتند از: ۱- آمادگی: نکات مهم در آمادگی عبارت است از: برنامه ریزی، آموزش، تمرین آموزش‌ها، اطلاعات به روز، اطلاعات به روز جهت خانواده‌ها و افراد محلی، ۲- واکنش: ۳- بازسازی: ۴- کاهش اثرات: ۵- کاهش خطر: ۶- پیشگیری: بسیاری از حوادث غیر مترقبه قابل پیش بینی نیستند و جلوگیری از وقوع آنها امکان پذیر نیست. ولی بعضی از حوادث مانند انفجار مواد شیمیایی و انتشار مواد مضر برای سلامتی انسانها تا اندازه زیادی قابل پیشگیری هستند. بسیاری از آتش سوزی‌ها نیز قابل پیشگیری می‌باشند و این یکی از اهداف مهم سازمان مرکزی آتش نشانی آمریکا می‌باشد. سازمان آتش نشانی مرکزی آمریکا (دولت فدرال) سعی بر این دارد که از بروز آتش سوزی‌ها جلوگیری به عمل آورد برای مثال در رابطه با آموزش عمومی مردم و همچنین

واکنش، بازسازی، کاهش اثرات، کاهش خطر و پیشگیری در حد اعلامی خود مراعات شده است. استراتژی مدیریت بحران آمریکا اولویتهای زیر را در دستور کار دارد: ۱- واکنش سریع و به موقع، ۲- جریان آزاد و پایدار اطلاع رسانی، ۳- پیامهای صادقانه با محتوای یکدست و سازگار (نات)، ۴- سخنگوی متمرکز، ۵- لبراز همدردی. یک تحقیق از جانب مؤسسه مدیریت آمریکا نشان می‌دهد که بعد از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا تشکیلات تیم‌های مدیریت بحران در شرکت‌های آمریکایی افزایش یافته است طوری که قبل از وقوع این حادثه ۳۸ درصد از شرکت‌های دارای تیم مدیریت بحران بوده‌اند ولی بعد از آن، در سال ۲۰۰۲ حدود ۵۴ درصد و در سال ۲۰۰۳ حدود ۶۲ درصد و امروزه بیش از ۸۰ درصد از شرکت‌های آمریکایی دارای تیم مدیریت بحران شده‌اند.

یک تحقیق از جانب مؤسسه مدیریت آمریکا نشان می‌دهد که بعد از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا تشکیلات تیم‌های مدیریت بحران در شرکت‌های آمریکایی افزایش یافته است طوری که قبل از وقوع این حادثه ۳۸ درصد از شرکت‌های دارای تیم مدیریت بحران بوده‌اند ولی بعد از آن، در سال ۲۰۰۲ حدود ۵۴ درصد و در سال ۲۰۰۳ حدود ۶۲ درصد و امروزه بیش از ۸۰ درصد از شرکت‌های آمریکایی دارای تیم مدیریت بحران شده‌اند.



صنعت نفت ایران پارسال در چنین روزهایی آماده پذیرایی از هیئتهای بزرگ اروپایی بود که به واسطه برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) رهنسار ایران شدند.

۲۳ تیرماه ۹۴ در حالی که ایران و کشورهای عضو گروه ۵+۱ خود را برای امضای توافقنامه در وین آماده می‌کردند در دیگر سوی قاره سبز، آلمان در تدارک سفر به ایران بود تا به محض امضای توافقنامه به عنوان نخستین هیئت اروپایی خود را به ایران برساند، خبر توافق که منتشر شد، زیگمار گابریل، قائم مقام صدراعظم آلمان در راس یک هیئت ۶۰ نفره عالی‌رتبه ۲۹ تیرماه ۹۴ وارد تهران شد. درست پنج روز پس از توافق.

لینده، زیمسن، مرسدس، دایملر، باسلف، فولکس واگن، جی‌آی‌زد (GIZ) و دهها شرکت آلمانی در این هیئت حضور داشتند. نخستین توافق نفتی حاصل شد: «زیمسن تجهیزات بلوکه شده ایران را آزاد می‌کند»

نتیجه: تجهیزات بلوکه شده از سوی شرکت آلمانی زیمسن که شامل کمپرسورهای تبریدی، کمپرسورهای تبریت میعانات گازی، الکترو کمپرسورها، مبدلهای حرارتی که بخش اعظم آن برای میدان گازی پارس جنوبی بود آزاد و توسعه این میدان مشترک جان تازه ای گرفت، همچنین مشکل بیمه هرس نیز بزودی حل می‌شود و این بیمه قرار است بار دیگر خدمات بیمه ای به ایران ارائه دهد.

برجام چگونه نفت را زنده کرد؟

هشت روز پس از ژرمن‌ها (چهارشنبه، هفتم مردادماه)، لوران فابیوس، وزیر خارجه وقت فرانسه به وزارت نفت آمد، اروپایی‌ها تشنه تر از کشورهای دیگر برای حضور در صنعت نفت ایران بودند و صنعت نفت ایران خواهان استفاده از فناوری برتر؛ فرانسه و آلمان به عنوان ۲ رقیب سرسخت در قاره سبز برای حضور در ایران هم رقابت می‌کنند؛ هراس فرانسه از همسایه بزرگتر شرقی خود در تمام طول تاریخ مشهود است و اینک حضور در ایران «توتال» پیوند نفتی ایران با فرانسه است که اگرچه در طول تحریم ایران راترک گفت، اما قدمتی ۲۰ ساله دارد و برای حضور در ایران مصمم تر از دیگر رقیبانش است؛ «باب جدیدی برای توسعه فعالیتهای توتال در توسعه میدانهای نفتی گشوده می‌شود» نتیجه: توتال نخستین شرکت اروپایی بود که برداشت نفت از ایران را آغاز کرد. توافق خرید نفت از ایران در سفر رئیس جمهوری به فرانسه در بهمن ماه پارسال به میزان ۱۶۰ هزار بشکه رقم خورد و این شرکت هم اکنون خلاقانه به حضور در میدان آزادگان جنوبی است و از این رو قرارداد محرمانگی با این شرکت برای مطالعه این میدان امضا شده است.

پس از آن نوبت رم بود که از غافله عقب نماند، پائولو جنتیلونی، وزیر خارجه ایتالیا. نماینده سومین کشور اروپایی است که با وزیر نفت دیدار کرد، آن هم درست یک هفته پس از دیدار با لوران فابیوس یعنی؛ چهارشنبه، ۱۴ مردادماه.

وقتی از همکاری نفتی ایران و ایتالیا صحبت می‌شود ناخواسته ذهن‌ها به سمت «لنی» می‌رود، شرکت ایتی ایتالیا تا پیش از افزایش تحریمهای بین‌المللی، در فاز نخست و دوم طرح توسعه میدان نفتی دارخوین در قالب قراردادهای بیع متقابل مشارکت داشت، تحریم‌ها آنها را هم رفتنی کرد اگرچه تلاش کردند در دوران تحریم نیز از ایران نفت خریداری کنند. کلاودیو دسکالزی، مدیرعامل ایتی پس از اجرای برجام چند نوبت با مقامهای ارشد نفت دیدار کرد و اوایل امسال نیز برای حضور در میدانهای نفتی و همکاری

با ایران در بخش بالادستی به دیدار زنگنه آمد، «فصل تازه ای از همکاری ایران و ایتالیا شکل می‌گیرد.

نتیجه: ایتی، ساراس ایتالیا پس از برجام در فهرست مشتریان نفت ایران قرار گرفتند.

دیدار با هیئتهای خارجی از آسیا گرفته تا اروپا و از آفریقا گرفته تا آمریکای جنوبی در طول این یکسال ادامه یافت، به طوری که در طول یکسال اخیر مدیران صنعت نفت با بیش از ۱۵۰ هیئت خارجی دیدار و گفتگو کردند، وزیر نفت تقریباً در همه دیدارها با مقامهای عالی‌رتبه کشورها چند نکته را بیان و همکاری با شرکتی خارجی را منوط به اجرای این نکات دانست.

ایران امروز با ۱۲ سال گذشته کاملاً متفاوت است و شرکتی که می‌خواهند در ایران فعالیت کنند باید به این تغییرات توجه کنند؛ زیرا ایران هم اکنون در بسیاری از زمینه‌ها صاحب فناوری شده است.

– راز موفقیت شرکتی خارجی که بخواهند در زمینه تجهیزات در ایران کار کنند منوط به مشارکت با شرکتی ایرانی و دستیابی به بازاری بزرگتر از ایران است.

– شرکتی ایرانی با فناوری برتر شرکتی صاحب فناوری و با برندهای شناخته شده می‌توانند هم برای تامین نیازهای کشور و هم برای صادرات، تجهیزات تولید کنند.

– شرکتی خارجی تنها به بازار ایران فکر نکنند، بلکه ایران را پایه فعالیتهای منطقه ای خود قرار دهند.

– شرکتی خارجی می‌توانند با ثبت شرکت در ایران به نام خود و با مشارکت با شرکتی ایرانی از تسهیلات بیشتری برای اجرای پروژه در ایران برخوردار شوند.

– لازمه برقراری هر ارتباطی حمایتیهای بانکی و فاینانس بانکهای آن کشور است.

– این نکات گاهی در قالب «توصیه» به شرکتی خارجی عنوان شد و وزیر نفت در گفتگو با هیئتهای مختلف بر برخی نکات همانند استفاده از توان و ظرفیت سازندگان داخلی تاکید بیشتری داشت، ظرفیتی که در

سالیهای تحریم اجازه نداد صنعت نفت ایران از پای بایستاد.

ماحصل دیدارهایی که به اختصار تشریح شد این شد که با اجرای برجام و حضور شرکتی خارجی در ایران تاکنون چند یادداشت تفاهم با شرکتی خارجی امضا شد که برخی از یادداشت تفاهمها در ادامه می‌آید:

– یادداشت تفاهم بلندمدت وزارت نفت و کره جنوبی در زمینه راهبرد بلندمدت همکاری دو کشور در زمینه نفت و گاز

– یادداشت تفاهم شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی با شرکت جی‌سی (JGC) ژاپن برای امکان‌سنجی پروژه ای برای کاهش هدررفت نفت در پالایشگاه نفت تهران.

– یادداشت تفاهم شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران با میتسوبشی ژاپن، سرکوبه اسپانیا و توتال فرانسه.

نهایی شدن مدل جدید قراردادهای نفتی می‌تواند بسیاری از این یادداشت تفاهم را در بخش بالادستی نفت به قرارداد تبدیل کند، شرکتی خارجی منتظر تأیید این قراردادها نفتی هستند و بدون شک تا نهای شدن آن هیچ قراردادی امضای نمی‌شود.

نمیاید از نظر دور داشت که صنعت نفت از ۲ جهت در اقتصاد ایران حایز اهمیت است، نخست به عنوان تامین‌کننده انرژی در بخش داخلی و دوم سهم بسزایی آن در تامین منابع ارزی مورد نیاز سایر صنایع و بخشهای اقتصادی کشور.

بنابراین این صنعت ارتباط تنگاتنگی با اقتصاد و رفاه مردم و جامعه دارد، لذا گشایش در فضای توسعه صنعت نفت در پساتحریم، بدون شک سبب ارتقای رفاه عمومی جامعه خواهد شد. اجرای برجام علاوه بر دارا بودن آثار و تبعات عمومی، دستاوردهای قابل توجهی نیز برای صنعت نفت و گاز و پتروشیمی کشور به همراه خواهد داشت که برخی در کوتاه مدت و برخی در بلندمدت محقق خواهند شد.

افزایش صادرات نفت خام و فرآورده‌های

اصول طراحی قراردادهای نفتی ایران

رضا پاکدامن
کارشناس حقوق انرژی

در ایران از حدود ۲ سال پیش بازنگری در مدل قراردادهای نفتی در دستور کار وزارت نفت قرار گرفت، از این رو در این مدت بحث‌های مفصلی در نهادها و مراکز تخصصی نفت آغاز، اما متأسفانه این نهادها را زیر توجه تخصصی خارج و به سطح جامعه موضوع گیری افراد غیر مطلع تعمیم داده شده است. حتی از اظهارنظرهای برخی «منتقدان مشهور» به نظر می‌رسد هیچگونه ارتباط کاری و عملیاتی مستقیم با پروژه‌های نفتی و مشکلات اجرایی آن ندارند و از واقعیت‌های داخلی و بین‌المللی غافل هستند و گاه در «فضای مجازی» مسر می‌کنند در فضا سازی ایجاد شده گاه انتقادهای تخصصی افرادی که در صدد اصلاح و تقویت ساختار چارچوب قراردادهای ارائه شده هستند، تحت الشعاع چریبانی قرار گرفته که به دلیل کج فهمی یا با هدف ضربه به دولت یا حتی نظام در صدد به‌تنهایی کساندن صنعت نفت و تحقق اهداف «تحریم‌های فلج کننده» هستند این گروه گاه با طرح دیدگاههای «تاب» و تحریک احساسات ملی، در عمل در صدد مایع ترایی برای استفاده از ظرفیتهای بین‌المللی در صنعت نفت کشور هستند. در صورتی که بر اساس اسناد بالادستی و سیاستهای کلی نظام، جذب سرمایه و مشارکت شرکتی خارجی در صنعت نفت تشویق شده است. از این رو ضرورت دارد در این شرایط حساس به سرعت تکلیف مدل جدید قراردادهای نفتی ایران برای جامعه صنعت نفت جهان و همچنین شرکتی ایرانی شفاف شود.

برای طراحی مدل جدید قراردادهای نفتی ایران چند شاخص اساسی لازم باید مدنظر قرار گیرد که عبارتند از:

- ۱- منافع و مصالح کلان ملی،
 - ۲- محدودیتهای داخلی و بین‌المللی و فرصتها و تهدیدها،
 - ۳- لزوم منافع بودن الگوی قرارداد با صنعت نفت جهان،
 - ۴- لزوم توجه به منافع طرف مقابل
- در این راستا چند نکته به اختصار اشاره می‌شود:
- ۱- نیاز صنعت نفت کشور
- با توجه به یک دهه تحریم و محدودیت گسترده، صنعت نفت کشور نیاز متنوعی به منابع مالی برای بازسازی و توسعه دارد. در این شرایط خزانه کشور توان تقبل این بار سنگین را ندارد. در همین دوره حتی بسیاری از کشورهای منطقه که با محدودیتهای کشور ما روبرو نبوده‌اند، به سرعت در حال توسعه زیرساختهای خود هستند. برای نمونه شرکت توسعه نفت عمان (پتروکترین شرکت نفتی عمان) اوایل ماه ژوئیه اعلام کرد که به منظور احداث تأسیسات جدید صادرات نفت و گاز، چهار میلیارد دلار از بانکهای بین‌المللی وام پنجساله گرفته است. فرصتهای زیادی در این دوره نفت ارزان که هزینه خدمات نفتی در جهان به شدت کاهش یافته، برای توسعه و بازسازی صنعت نفت کشور پدید آمده است.
- این موضوع به ضرورت سرعت بخشیدن به نهایی کردن قراردادهای نفتی و عملیاتی کردن پروژه‌ها تاکید دارد. از طرفی باید وضعیها شرکت ایرانی که زمانی در صنعت نفت فعال بود، مانع از اکتون در شرایط اضطرار و «حیات نباتی» قرار دارند را باید در نظر داشت.
- ۲- منابع مالی پروژه‌های بزرگ
- پروژه‌های بزرگ و حتی متوسط نفتی نیاز به منابع تامین مالی با پشتوانه قوی و مستمر دارند. برای نمونه شرکت آمریکایی شرون به تازگی اعلام کرده است که برای توسعه میدان نفتی تکنیکر در قزاقستان به منظور افزایش یک میلیون بشکه ای نفت از این میدان، در نظر دارد حدود ۲۷ میلیارد دلار سرمایه گذاری کند. خوشبختانه کشور ما قابلیت تعریف چند پروژه بزرگ و حتی مگا پروژه را دارد، اگرچه برخی شرکتی داخلی مدعی توانایی اجرای این پروژه‌ها هستند، صرف نظر از مباحث فنی، هیچیک از آنها توان تامین منابع مالی حتی پروژه‌های متوسط اندازند و چشمه منابع عمومی و خزانه دارند! موضوعی که در شرایط کنونی قابل تحقق نیست. برای شرکتی که قصد سرمایه گذاری حجیم در صنعت نفت ایران را دارد باید با پیش بینی تضمین‌های کافی در قرارداد بویژه در زمینه بازگشت سرمایه، «ریسک» سرمایه گذاری را کاهش داد.
- ۳- بلند مدت بودن برخی پروژه‌ها
- غالب پروژه بزرگ و مگا پروژه بلند مدت هستند، از این رو باید مدل قراردادی ایران برای این نوع پروژه‌ها بلندمدت پیش بینی شود. در جمع بندی کلی، به نظر نگارنده اقتصاد کشور مادر شرایط خاصی قرار دارد و اگر از فرجهای بی‌وقوع و به درستی استفاده نشود، فرصتها به تهدید بدل خواهد شد، در این باره صنعت نفت با ظرفیتهای خود می‌تواند نقش پیش‌تاز را ایفا کند. قراردادهای بلند مدت بین‌المللی برخلاف برخی از جنجال سازیهها، یک مزیت برای کشور و صنعت ملی نفت بوده و حتی می‌تواند پشتوانه دیپلماسی اقتصادی کشور باشد.
- مضاف بر این، مهم تر از نحوه تنظیم شروط قرارداد، مدیریت حقوقی پروژه و نظارت بر اجرای همه تکالیف فنی، مالی و حقوقی پیمانکار است که بیشتر در اجرای پروژه از جانب شرکتی کارفرمای رویه تحلیل رفته و از این طریق به منافع کشور خسارتی بیشتری وارد می‌شود. بنابراین به جای تلاش برای اختراع الگوی قراردادی خاص و منحصر به فرد در جهان و به زعم خود حصد صدها به نفع کشور و تصور این که شرکتی بین‌المللی نسبت به آن تمکین خواهند کرد! لازم و اصولی این است که یک الگوی قرارداد متعارف بین‌المللی ارائه شود که در آن حقوق دو طرف قرارداد تضمین شده باشد و در سایه عملیاتی شدن پروژه‌ها شاهد احیای شرکتی سازندگان داخلی و مهمتر از آن رشد کیفی شرکتی ایرانی در جریان اجرای پروژه‌ها طبق استانداردهای بین‌المللی باشیم.

مدل جدید قراردادهای نفتی و عدم نقض حاکمیت تولید



میترا مدرسی
کارشناس ارشد انرژی

حجم ذخایر نفت جهان ۱۱۴۸ میلیارد بشکه برآورد می‌شود که حدود ۷۷ درصد این ذخایر در اختیار و کنترل شرکت‌های ملی نفت قرار دارد. امروزه شرکت‌های ملی نفت کنترل حدود ۹۰ درصد ذخایر نفت خام و ۷۵ درصد تولید نفت خام را به عهده دارند؛ همین ضرایب برای گاز و دیگر زیر ساخت‌های مرتبط با نفت و گاز نیز متصور است.

بنابراین عملکرد شرکت‌های ملی نفت به طور مستقیم بر عملکرد شرکت‌های خصوصی و بین‌المللی نفت نیز موثر است. سیاست‌های منتج از عملکرد بخش دولتی نفت خام که از طریق اداره شرکت‌های ملی نفت حاصل می‌شود به طور عموم اهداف توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را دنبال می‌کند. به طور کلی هدف اصلی این شرکت‌ها حداکثر کردن خالص ارزش کنونی منافع اقتصادی حاصل از اکتشاف و تولید نفت خام و گاز طبیعی همراه با تدویم فرآیند توسعه منابع، توسعه مبادلات تجاری، خودکفایی انرژی و امنیت عرضه است.

مهمترین عامل توسعه بخش نفت بکارگیری و بهره‌برداری از امکانات داخلی و بین‌المللی با هدف بهینه کردن ارزش منابع طی دوره حیات اقتصادی و میان‌تسلی این منابع است. بررسی تاریخی توسعه نیافتگی بخش نفت طی دوره پیش از ۱۰۰ ساله‌ای که از اکتشاف و تولید نفت خام در کشور گذشته است، همواره این سوال را پیش روی محققان قرار می‌دهد که علت توسعه نیافتگی صنعت دیرپای نفت در چیست؟ چرا نتوانسته‌ایم با وجود این منابع از دایره تنگ عدم توسعه یافتگی خلاصی بیایم؟ نظام توسعه مناسب صنعت نفت در کشور چیست؟ الزامات قراردادهای نفتی برای دستیابی به حداکثر منافع در چارچوب تولید صیانت و توسعه شرکت‌های دانش بنیان داخلی چیست؟ چگونه می‌توان از تجربیات شرکت‌های ملی موفق نفت در دنیا استفاده کرد تا الگوی مناسب توسعه فزاینده و پایدار در بخش‌های مختلف اقتصادی را یافت؟

بررسی تاریخی دوره‌های مختلف توسعه در کشور می‌تواند تا حدودی چراغ راه آینده شود.

نخستین قرارداد اکتشاف و توسعه نفت که به بهره‌برداری رسید، قرارداد امتیازی است که در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی بین مظفرالدین شاه و ویلیام تانکس داری منعقد شد. به موجب این موافقتنامه اجازه اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری برای بخشی از سرزمین ایران معادل ۵۰۰ هزار متر مربع به مدت ۶۰ سال در قبال ۱۶ درصد حق مالکانه و سهیم شدن دولت به میزان ۱۰۰ هزار دلار در سهام شرکت داده شد. البته این توافقنامه در سال ۱۹۲۳ میلادی (۱۳۱۳ ه.ش) در زمان رضا شاه پهلوی مورد بازنگری قرار گرفت و باندرکی تغییر به مدت ۶۰ سال دیگر تمدید شد. در قراردادهای امتیازی یادشده نه تنها حقوق مربوط به حاکمیت و مالکیت دولت مرکزی بر مخازن نفتی می‌شد، امکان نظارت و بازرسی بر نحوه عملیات طی دوره‌های مختلف اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری نیز وجود نداشت. به دلیل عدم حضور و مشارکت کارشناسان داخلی نیز امکان انتقال دانش فنی و مهارت‌های مدیریتی نیز وجود نداشت. ضمن این که منافع حداکثری ملی نیز از فعالیت شرکت‌های نفتی بدست نمی‌آمد. بنابراین قراردادهای امتیازی با شرایط فوق هرگز نمی‌تواند هیچ یک از معیارهای مطلوب و مورد نظر توسعه را تأمین کند.

بعد از ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند سال ۱۳۲۹ قراردادهای امتیازی لغو شد و شرکت ملی نفت ایران به موجب قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران در ۵ آذر ۱۳۳۱ تأسیس شد. به موجب این قانون شرکت ملی نفت ایران وظیفه مدیریت و عملیات مربوط به اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری و همچنین دیگر عملیات مرتبط با پالایش، حمل و نقل و توزیع و صادرات نفت خام را عهده دار شد. به دنبال سقوط دولت مصدق در سال ۱۳۳۲ مجدداً مستشاران خارجی قراردادی دیگری تحت عنوان قرارداد کنسرسیون برای تسلط شرکت‌های نفتی انگلیسی، آمریکایی، هلندی و فرانسوی تحت قراردادهای امتیازی البته با مدت زمان کوتاه‌تر و افزایش حق مالکانه و پرداخت مالیات امضا کردند. اما همچنان دولت ایران حاکمیت و مالکیتی بر منابع نفت و گاز مناطق تحت قرارداد نداشت. ضمن

این که هیچگونه مدیریتی بر نحوه استخراج و برداشت اعمال نمی‌کرد.

با افزایش قیمت نفت خام در سال ۱۳۵۳ هجری شمسی، «قانون نفت» به منظور اعمال حق حاکمیت و مالکیت ملی نسبت به منابع نفتی به تصویب رسید. به موجب این قانون شرکت ملی نفت ایران عهده دار فعالیت‌های انحصاری در زمینه اکتشاف، توسعه، تولید و بهره‌برداری و توزیع نفت در سراسر کشور و قلات قاره شد و در صورت نیاز به خدمات پیمانکاران بین‌المللی، قراردادهای نفتی باید تحت شرایط قراردادهای خدماتی امضا شود. نکته قابل توجه این است که به موجب این قانون قراردادهای پیشین ملغی نشد. از آن تاریخ تا پیروزی انقلاب اسلامی قرارداد خدماتی منعقد شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی طی ماده واحده مصوب شورای انقلاب، همه قراردادهای نفتی مغایر با قانون ملی شدن صنعت نفت ملغی شد.

بر اساس قوانین موضوعی در قانون اساسی و همچنین قانون نفت مصوب سال ۱۳۶۶، منابع نفت کشور جزو انفال و ثروتهای عمومی شناخته شد و اعمال حق حاکمیت و مالکیت این منابع و تأسیسات آن به عهده وزارت نفت قرار داده شد. به این ترتیب انجام سرمایه‌گذاری خارجی در این بخش غیر مجاز شناخته شد.

بدنبال مشکلات ناشی از عدم سرمایه‌گذاری مناسب در این بخش برای نخستین بار در قانون بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور، اجازه‌امضای قراردادهای خدماتی موسوم به قراردادهای بیع متقابل با شرکت‌های نفتی بین‌المللی داده شد.

مهمترین ویژگی قراردادهای بیع متقابل نبود ضمانت بازپرداخت تعهدات توسط نهادهای قانونی نظیر بانک مرکزی بود و ریسک سرمایه‌گذاری به عهده پیمانکار قرار داده می‌شد. بازپرداخت تعهدها به طور انحصاری از محل درآمد حاصل از تولید محصولات میدان امکانپذیر بود.

پس از دریافت مجوز انعقاد قراردادهای خدماتی تحت عنوان بیع متقابل، شرکت ملی نفت ایران نسبت به انعقاد قراردادهای بیع متقابل با شرکت‌های معتبر بین‌المللی نظیر توتال، شل، انی و اسات اولی در زمینه توسعه میدان‌های نفت و گاز اقدام کرد. قراردادهای مذکور با توجه به توقف سرمایه‌گذاری طی حداقل دو دهه بعد از انقلاب اسلامی و آسیب دیدن بخش عمده‌ای از تأسیسات میدان‌های کشور در اثر جنگ، نتایج مثبتی به همراه داشت به طوری که حدود روزانه یک میلیون بشکه نفت خام، بیش از ۳۵۰ میلیون

متر مکعب در روز گاز طبیعی و حدود ۳۲۰ هزار بشکه در روز ميعانات به ظرفیت تولید نفت و گاز کشور افزوده شد. پس از گذشت حدود دو دهه از نخستین قراردادهای بیع متقابل و مواجهه با موانع مختلف داخلی و بین‌المللی، توسعه همه جانبه صنعت نفت از طریق قراردادهای بیع متقابل با موانع جدی روبرو شده است بنابراین ضرورت استفاده از

موضوع دیگری که در مخالفت نسبت به قراردادهای جدید از طرف برخی مطرح شده است، موضوع دستیابی پیمانکار به اطلاعات مخزن است، لیکن درجه دستیابی پیمانکار به اطلاعات مخزن در دو قرارداد بیع متقابل و IPC تفاوتی ندارد و نمی‌توان با استناد به محرمانه بودن اطلاعات مخزن، قراردادهای IPC را متفاوت از قراردادهای بیع متقابل معرفی کرد

مدل جدیدی از قرارداد احساس شد که چارچوب این مدل در ۲ سال و اندی گذشته آماده و به تأیید هیئت دولت رسید. اما در ادامه راه با متقدمان جدی مواجه شد یکی از موارد انتقادی در این مدل از قراردادها نقض حاکمیت تولید است. لیکن برای روشن شدن موارد افتراق قراردادهای جدید با قراردادهای بیع متقابل در حوزه مالکیت و حاکمیت لازم است تنها موارد اصلاحی در این حوزه مورد توجه قرار گیرد. ۱- قراردادهای اکتشافی بیع متقابل بر اساس منطقه و میزان فعالیت و سقف سرمایه‌گذاری مشخص بین شرکت ملی

نفت ایران و پیمانکاران متقاضی منعقد می‌شد. پس از اتمام عملیات اکتشاف، موضوع تجاری شناخته شدن میدان با در نظر گرفتن اطلاعات دریافتی از مطالعات انجام شده در مرحله اکتشاف و برآورد هزینه‌های سرمایه‌گذاری و میزان تولید و قیمت محصولات در شرکت ملی نفت ایران مورد ارزیابی فنی و اقتصادی قرار می‌گرفت. پس از مرحله اکتشاف و در صورت تجاری شناخته شدن میدان، طرح جامع توسعه (MDP) برای انجام مراحل بعدی از سوی پیمانکار با همکاری شرکت‌های توسعه‌ای تحت پوشش تهیه و پس از بررسی به تصویب هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران می‌رسید. از آنجائیکه هنوز متن قراردادهای جدید در بخش اکتشاف منتشر نشده است، لیکن با توجه به مفاد مصوبه هیئت دولت بنظر می‌رسد که تغییر جدی در متن قراردادهای خدماتی جدید در بخش اکتشاف انجام نشده باشد.

۲- طرح جامع توسعه میدان (MDP) که از سوی پیمانکار در مرحله اکتشاف با همکاری شرکت ملی نفت ایران تهیه شده و یا در صورتیکه راساً از سوی شرکت ملی نفت ایران بعد از انجام مراحل اکتشاف از سوی مدیریت اکتشاف تهیه شده است، مبنای نقشه راه توسعه در قرارداد بیع متقابل قرار می‌گرفت. ولیکن در قراردادهای جدید پیش‌بینی شده است که نقشه راه توسعه پس از دریافت مصوبات لازم از شرکت ملی نفت ایران متناسب با یافته‌های جدید در هنگام توسعه و رفتار واقعی میدان / مخزن در مراحل تولید قابل بازنگری باشد. انجام تغییرات در طرح جامع توسعه در قراردادهای بیع متقابل با توجه به محدودیت سقف سرمایه‌گذاری و همچنین الزام پیمانکار در انجام مراحل توسعه در چارچوب (MDP) و زمان‌بندی بودن اصلاحات لازم و اخذ مجوزهای مربوطه با موانع جدی روبرو بود. لیکن در قراردادهای جدید انعطاف بیشتری در اجرای قراردادهای توسعه متناسب با شرایط توسعه بهینه از میدان فراهم شده است.

۳- در قراردادهای جدید، حاکمیت و مالکیت کشور میزبان با توجه به حضور شرکت ملی نفت در مراحل مختلف برنامه ریزی و تصمیم‌گیری از مرحله اکتشاف و سپس تهیه مختلف اجرا از طریق تصویب در هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران و (JMC) (Joint Management Committee) که در حقیقت متشکل از نمایندگان شرکت ملی نفت ایران و پیمانکار است، هر مرحله از تصمیم‌گیری بر اساس مفاد MDP که پیش‌تر به تصویب هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران رسیده است انجام خواهد شد. فقط تفاوت قراردادهای

بیع متقابل و IPC در این مرحله طبق قانون، اقدام‌های مشترک برای افزایش ضریب بازبافت از طریق انجام مطالعات تکمیلی زمین‌شناسی، مهندسی نفت و مخازن، اجرای طرح‌های ژئوفیزیک، لرزه‌نگاری در همه مراحل تولید و اصلاح MDP در هر مرحله از توسعه و بهره‌برداری پس از تصویب در هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران است که در راستای تولید صیانتی و بهینه‌سازی مخزن پیش‌بینی شده است. بنابراین نقشه راه توسعه در هر مرحله با تصویب و موافقت شرکت ملی نفت ایران خواهد بود و از این نظر حاکمیت و مالکیت میزبان بر مخزن تفاوتی با قراردادهای بیع متقابل ندارد. با توجه به باز بودن سقف سرمایه‌گذاری، موانع دشوار و جدی جهت اصلاح مجوزهای قانونی در این ارتباط را نیز نخواهد داشت.

۴- نظارت و بازرسی فعالیتهای اجرایی پیمانکار در مراحل مختلف اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری، و دسترسی به صورتهای مالی پیمانکار در قراردادهای جدید تفاوتی با قراردادهای بیع متقابل نکرده است و همچنان شرکت ملی نفت ایران از طریق شرکت‌های توسعه‌ای مجری می‌تواند نظارت عالیه خود بر فعالیت پیمانکار در مراحل مختلف را اعمال کند. هزینه‌های هر مرحله از توسعه و بهره‌برداری از طریق برگزینی مناقصات برآورد و تعیین می‌شود و با توجه به حجم سرمایه‌گذاری می‌بایست به تصویب کمیته مدیریت شرکت و در صورت نیاز و افزایش از سقف تعیین شده در قرارداد، به تأیید شرکت ملی نفت ایران برسد.

۵- حاکمیت و مالکیت شرکت ملی نفت ایران طی دوره بهره‌برداری نیز از طریق ایجاد شرکت مشترک و لزوم تصویب هر گونه تغییرات نسبت به نقشه راه اولیه در هر مرحله، از سوی شرکت ملی نفت ایران و یا در صورت نیاز شرکت‌های تولیدی هیچ‌کدام به ای به منافع ملی از ناحیه اعمال مالکیت و حاکمیت ایجاد نمی‌کند. ضمن این که لزوم اعمال تغییرات فوق برای دستیابی به اهداف تولید صیانتی، انتقال دانش فنی و مدیریت به شرکت‌های اکتشاف و تولید داخلی الزامی است.

۶- موضوع دیگری که در مخالفت نسبت به قراردادهای جدید از طرف برخی مطرح شده است، موضوع دستیابی پیمانکار به اطلاعات مخزن است. لیکن درجه دستیابی پیمانکار به اطلاعات مخزن در دو قرارداد بیع متقابل و IPC تفاوتی ندارد و نمی‌توان با استناد به محرمانه بودن اطلاعات مخزن، قراردادهای IPC را متفاوت از قراردادهای بیع متقابل معرفی کرد.

پانداخت

بیا مدهای فزونی یافتن ذخایر نفتی آمریکا از عربستان و روسیه؛ آیا نقش آمریکا در نفت پر رنگ می ماند؟

بر اساس مطالعات مؤسسه «ریستاد انرژی»، نفت قابل برداشت از میدان موجود، کشف شده و مناطق کشف نشده آمریکا معادل ۲۶۴ میلیارد بشکه است که این رقم از ذخایر ۲۱۲ میلیارد بشکه ای عربستان سعودی و ۲۵۶ میلیارد بشکه ای روسیه بالاتر است. اما پیشی گرفتن ذخایر نفت آمریکا از کشورهای همچون عربستان چه تاثیری دارد؟

بررسی ۶۰۰۰ میدان نفتی در جهان که توسط این مؤسسه مقیم اسلو در مدت سه سال انجام شده حکایت از آن دارد که مجموع ذخایر نفتی جهان ۲٫۱ تریلیون بشکه است. این میزان هفتاد برابر رقم تولید سالانه نفت خام جهان یعنی ۳۰ میلیارد بشکه است. ذخایر قابل برداشت - منابعی که از لحاظ فنی و اقتصادی قابل استخراج هستند - توسط صنعت انرژی برآورد می گردند تا ارزش شرکتها و سلامت بلندمدت اقتصاد نفتی یک کشور مشخص شود.

تولید کنندگان نفت متعارف مانند عربستان سعودی، بطور سنتی از منابع غنی و عظیم خود برای کسب قدرت جهانی بخصوص میان کشورهای بزرگ مصرف کننده مانند ایالات متحده بهره برده اند. لیکن این روابط در سالهای اخیر به علت ظهور فناوریهای شکافت هیدرولیک و دیگر فناوریهای بدیع که به آمریکا مندر رسانده است تا ذخایر عظیم نفتی خود را قفل گشایی کند و استقلال بیشتری در تأمین انرژی خود بیابد، دچار تیرگی شده است.

«مانگوس نیسون» یکی از تحلیلگران ریستاد انرژی با اشاره به اکتشافات جدید در تگزاس و نیومکزیکو



که مستعدترین مناطق نفتی آمریکا هستند می گوید: «احتمال بالقوه ناچیزی وجود دارد که در بسیاری از کشورهای دیگر با موارد غافلگیر کننده مواجه شویم اما در ایالات متحده این امکان همچنان وجود دارد. سه سال پیش این کشور از کشورهایمانند عربستان، روسیه و کانادا عقب تر بود.»

داده های ریستاد انرژی نشان می دهد که بیش از نیمی از ذخایر بر جای ایالات متحده در قالب نفت غیرمتعارف شیل است و تگزاس پتنتهایی مالک ۶۰ میلیارد بشکه از اینگونه ذخایر است. مع الوصف گزارشهای دیگر از میزان ذخایر نفت جهان مانند آمار مروری BP که بر مبنای گزارشهای رسمی مقامات دولتی تدوین می شوند همچنان جایگاه ایالات متحده را پس از عربستان، روسیه، کانادا، عراق، ونزوئلا و کویت ترسیم می کنند.

ریستاد انرژی مدعی است گزارشهای دولتی در سراسر جهان با استفاده از مقیاسهایی تهیه می شوند که اغلب ابهام دارند. اگر ارقام بسیاری از کشورهای شامل ذخایر نفتی کشف نشده نیز هست.

«ریچارد مالیسون» تحلیلگر نفتی معتقد است در حالی که میزان ذخایر دارای اهمیت است، هزینه تولید نیز از اهمیت یکسان برخوردار است. وی می گوید: «ارقام ذخایر مهم هستند اما عوامل متعدد دیگری نیز بازده کوتاه مدت و بلندمدت داشته های شرکتها و کشورهای نفتی را تعیین می کنند. قدرت گرفتن ایالات متحده از نقش عربستان سعودی یا روسیه که ارزشترین نرخ تولید نفت در جهان را دارند، نمی کاهد.»

کشورهای عضو اوپک به رهبری عربستان سعودی دارای تولید اقتصادی بهتری هستند. در حالیکه طی دو سال گذشته مخارج نصف شده و در برخی موارد به زیر ۴۰ دلار رسیده است. عربستان سعودی و دیگر تولیدکنندگان منطقه خاورمیانه هنوز نفت خود را با هزینه کمتر از ۱۰ دلار عرضه می کنند. منبع: فایننشال تایمز ترجمه: نعیم نوربخش - تکونبوز

منافع سیاسی و اقتصادی سوکار از اسپانسر یورو ۲۰۱۶



در ارتباط با این موضوع از دوستان این نوع ورزش در جهان برای سفر به باکو دعوت کرد. وی برگزاری مسابقات جام ملت های اروپا ۲۰۲۰ باکو را برای فوتبال آذربایجان رویداد مهم اعلام کرد و گفت: فدراسیون فوتبال آذربایجان با حمایت دولت برای این که باکو یکی از ۱۳ شهر میزبان مسابقات فوتبال اعلام شود، تلاش زیادی کرده است. رئیس شرکت دولتی نفت آذربایجان با اظهار خوشحالی از این که به خواست خود رسیده ایم افزود: در مسابقات فرانسه بعنوان شرکت تامین مالی مشارکت کردیم و مرحله بعدی سال ۲۰۲۰ است و دوستان فوتبال را برای سفر به باکو دعوت می کنیم. سازماندهی این مسابقات در باکو در سطح بسیار بالا خواهد شد. باکو پایتخت جمهوری آذربایجان که حدود ۴ هزار کیلومتر با قلب فوتبال اروپا فاصله دارد، میزبان برخی برنامه های فرهنگی و ورزشی مهم از جمله نخستین دوره بازی های اروپایی ۲۰۱۵ بوده و دارای تجربه غنی در این راستاست.

سوکار با در آمد صادراتی ۱۸ میلیارد دلاری در سال ۲۰۱۲ حدود ۹۵ درصد بودجه آذربایجان را تامین کرده و در سال ۲۰۱۱ نیز ۱۶۰ جایگاه سوخت شرکت اسو در سوئیس را خریده است

آذربایجان دریای خزر واقع شده است. در سال ۲۰۰۶ شرکت نفت آذربایجان، تولیدی معادل ۷،۸۴ میلیون تن نفت و ۴،۳۴ میلیارد متر مکعب گاز داشته است. در ژانویه ۲۰۰۹، پالایشگاه های تحت مدیریت سوکار، دارای ظرفیت تصفیه نفتی، برابر ۳۳۹،۰۰۰ بشکه در روز، بوده است. شرکت عملیات بین المللی آذربایجان، کنسرسیومی است از ۱۰ شرکت بزرگ نفتی، که قراردادی را در جهت استخراج نفت خام میان پیمانکاران و دولت جمهوری آذربایجان به امضاء می رسانند. دفتر مرکزی شرکت نفت آذربایجان، در مرکز شهر باکو، در یک ساختمان سه طبقه، که به سبک رنسانس فرانسه ساخته شده است، قرار دارد. دفاتر نمایندگی های شرکت نفت آذربایجان، در شهرهای: بخارست، فرانکفورت، ژنو، لندن، استانبول، وین،



شده و شرکت نامربوطی هم، مقام اول را در فساد دارد. سوکار با درآمد صادراتی ۱۸ میلیارد دلاری در سال ۲۰۱۲ حدود ۹۵ درصد بودجه آذربایجان را تامین کرده و در سال ۲۰۱۱ نیز ۱۶۰ جایگاه سوخت شرکت اسو در سوئیس را خریده است. در بررسی سال ۲۰۱۱ نهاد شفافیت بین الملل که مربوط به اقدامات ضد فساد در ۴۴ شرکت نفتی جهان بود، سوکار در جایگاه آخر قرار گرفت. در سطح کشوری نیز جمهوری آذربایجان در این سال، در رده بندی ۱۸۲ کشور جهان جایگاه ۱۴۳ قرار گرفت. باکو در سال ۲۰۱۵ در جایگاه ۱۱۹ در بین ۱۶۲ کشور بود. به نظر می رسد که تلاش های پرهزینه جمهوری آذربایجان باریاست خانوادگی الهام علی اف به علاقمندی ها و منافع سیاسی مرتبط باشند. علاوه بر تبلیغات فوتبالی می توان به برگزاری مسابقات اخیر «فرمول ۱» در باکو اشاره کرد.

استانه و تهران واقع شده است. در رومانی، شرکت نفت آذربایجان، در حال ساخت یک پالایشگاه پتروشیمی برای تامین کشورهای اروپایی می باشد. دفاتر اتریش و آلمان شرکت سوکار، و طبقه انتقال هیدروکربن، از آذربایجان به اروپا را در قالب پروژه های تاناب، تاپ، بر عهده دارد.

و دریایی جمهوری آذربایجان، همچنین؛ انتقال، پردازش، پالایش و فروش نفت، گاز، میعانات گازی و دیگر محصولات صنعت نفتی باشد. تعداد کارکنان این شرکت، بین ۵۸،۹۴۵ تا ۷۰،۰۰۰ نفر برآورد شده است. جمهوری آذربایجان دارای ۵۷ میدان نفتی می باشد، که ۱۸ میدان آن در مناطق دریایی قرار دارد، که همه این میادین، در بخش

برای برگزاری این بازیها استادیوم المپیک با ظرفیت ۶۶ تماشاگر را معرفی می کند. سوکار، تولید نفت خام و گاز طبیعی همچنین، اجرا و ساخت خطوط لوله نفت و گاز را در جمهوری آذربایجان، بر عهده دارد. سوکار، مالک دو پالایشگاه در این کشور می باشد. این شرکت، کار نظارت بر کنسرسیوم بین المللی که در حال توسعه پروژه های نفت و گاز در

معادله معکوس تولید نفت در خاورمیانه و آمریکا

[The content of this section is mostly obscured by a large watermark and is not clearly legible.]

تأثیر نوسان قیمت نفت بر سیاست داخلی و خارجی الجزایر؛

الجزایر هم دنبال اقتصاد غیر نفتی است

فاتما رضایی

کارشناسان اقتصادی الجزایر از دولتمندان خواسته‌اند هر چه سریع‌تر به دنبال جایگزین‌های جدیدی برای اقتصاد کشور باشند. اقتصادی که به شدت وابسته به نفت است و چشم‌به‌دلارهای نفتی دارد تا بتواند به حیات خود ادامه دهد. وزارت امور خارجه الجزایر تصمیم به کاهش کمک به کشورهای آفریقایی مانند موریتانی، نیجر، مالی و بوركینا فاسو و همچنین گروه‌های مستقل مانند جبهه پولیساریو، گرفته است. هیدروکربن‌ها، نقش حیاتی در اقتصاد الجزایر بازی می‌کنند. حدود ۶۰ درصد از بودجه این کشور و بیش از ۹۵ درصد از درآمد حاصل از صادرات الجزایر از فروش هیدروکربن می‌باشد. این کشور با ذخایر اثبات شده‌ای معادل ۱۱۸ میلیارد بشکه نفت، از لحاظ میزان در اختیار داشتن ذخایر نفتی، در رتبه چهاردهم جهان قرار دارد. سوناطراک، بزرگترین شرکت الجزایری و همچنین بزرگترین کمپانی آفریقای می‌باشد. این شرکت یازدهمین کمپانی بزرگ نفتی در دنیا است. عبدالعزیز بوتفلیقه، رئیس جمهور الجزایر در اول ژوئن رئیس بانک مرکزی کشورش را به دلیل ناتوانی در مدیریت بحران ناشی از افت قیمت نفت، از کار برکنار کرد. محمد لوکال، رئیس جدید بانک مرکزی الجزایر شد. تغییر رئیس بانک مرکزی الجزایر در شرایطی روی می‌دهد که این کشور برای مهار پیامدهای افت قیمت نفت بر اقتصاد خود، تلاش می‌کند. افت درآمدهای انرژی، کاهش ارزش دینار الجزایر و منفی شدن تراز تجاری الجزایر، از جمله این پیامدها هستند. این کشور عضو اوپک برای مهار پیامدهای افت قیمت نفت، قیمت داخلی سوخت و برق را افزایش و بودجه عمرانی و دیگر هزینه‌های بودجه‌ای خود را کاهش داد.

الجزایر که از صادرکنندگان بزرگ گاز به اروپا به شمار می‌آید، همچنان از ۱۴۰ میلیارد دلار ذخایر انرژی خارجی برخوردار است و به گفته مسئولان این کشور، این رقم می‌تواند پیامدهای افت قیمت نفت را تا حدی مهار کند. با این همه، درآمدهای انرژی الجزایر در سال ۲۰۱۵ یا ۵۰ درصد کاهش رو به رو شد. کاهش قیمت‌های جهانی نفت تأثیر منفی بر اقتصاد الجزایر گذاشته و این کشور را با کسری بودجه ۲۵ میلیارد دلاری مواجه کرده است.

به گفته محمد جلاب، وزیر دارایی، تغییر قیمت نفت، هزینه‌های دولت را ۱۵ درصد افزایش می‌دهد. مرکز تحقیقات الجزایر در اقتصاد کاربردی برای توسعه محاسبه کرده است که ذخایر انرژی این کشور و سیاست‌های توسعه باید به در برابر کاهش قیمت کمک نماید. در واقع، دولت تصمیم گرفته است از ذخایر پولی این کشور (حدود ۵۹ میلیارد دلار) برای کسری بودجه، که بالغ بر ۴۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ بود، استفاده نماید. مازاد تجاری الجزایر ۵۳٫۵ درصد در سال ۲۰۱۴ نسبت به سال گذشته به دلیل افزایش واردات و کاهش سودآوری ناشی از کاهش قیمت نفت، کاهش یافته است. صادرات نفت و گاز، که ۹۵٫۹۴ درصد از تمام فروش در خارج از کشور را به خود اختصاص می‌دهد، ۴٫۵ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافته است. درآمد سالانه از شرکت دولتی نفتی سوناطراک در سال ۲۰۱۴ به مقدار ۶۰ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۳ به مقدار ۶۳ میلیارد دلار و در سال

۲۰۱۲ به میزان ۷۴ میلیارد دلار بوده است. پیشتر مدیر «بانک الجزایر» گفته بود کاهش شدید قیمت نفت موجب افت ذخایر پولی و موقعیت بودجه‌ای این کشور شده است. بنابر آمار صندوق بین‌المللی پول، ذخایر پولی الجزایر در ماه ژانویه به میزان ۱۱۶ میلیارد دلار کاهش یافت که این بیشترین میزان کاهش ماهانه در مدت بیش از ۳۰ سال گذشته بود. مدیر بانک الجزایر در حاشیه نشست‌های بهاره صندوق بین‌المللی پول در واشنگتن اظهار داشته بود که از آنجا که پیش‌بینی می‌شود قیمت نفت برای مدت طولانی پایین باقی بماند، درجه انعطاف اقتصاد این کشور ممکن است به سرعت از بین برود.

«همیشه مازوزی»، مدیر عامل شرکت ملی نفت الجزایر (سوناتراک) اخیراً اعلام کرد که این کشور دوره رکود تولید نفت و گاز را پشت سر گذاشته و اکنون زمان افزایش تولید فرارسیده است که به خاطر افزایش تولید میدانهای موجود در این کشور آفریقایی عضو اوپک، است.

تلاش این کشور آفریقایی شمالی در بهره‌گیری از شرکتهای انرژی خارجی برای اکتشاف حوزه‌های جدید نفت و گاز، به دلیل افت جهانی قیمت نفت و کاهش ۵۰ درصدی درآمد انرژی (۶۰ درصد از بودجه الجزایر) این کشور در سال ۲۰۱۵، بی‌ثمر ماند. تولید نفت الجزایر در سال ۲۰۱۶ به ۶۹ میلیون تن معادل نفت می‌رسد، در حالی که این مقدار در سال گذشته، ۶۷ میلیون تن بوده است.

همچنین تولید گاز الجزایر از ۱۲۸ میلیارد و ۳۰۰ میلیون متر مکعب در سال ۲۰۱۵، به ۱۳۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون متر مکعب تا پایان سال ۲۰۱۶ می‌رسد و این مقدار در سال ۲۰۱۴، ۱۳۰ میلیارد و ۹۰۰ میلیون متر مکعب بوده است. پیش‌بینی می‌شود که حجم تولید گاز این شرکت در سالهای ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به ترتیب به ۱۴۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون متر مکعب و ۱۴۳ میلیارد و ۹۰۰ میلیون متر مکعب برسد. همچنین میزان تولید نفت این کشور در سالهای ۲۰۱۷ به ۷۵ میلیون تن معادل نفت، در سال ۲۰۱۸ به ۷۷ و در سال ۲۰۲۰ به ۸۲ قرار داد.

الجزایر که از صادرکنندگان بزرگ گاز به اروپا به شمار می‌آید، همچنان از ۱۴۰ میلیارد دلار ذخایر انرژی خارجی برخوردار است و به گفته مسئولان این کشور، این رقم می‌تواند پیامدهای افت قیمت نفت را تا حدی مهار کند. با این همه، درآمدهای انرژی الجزایر در سال ۲۰۱۵ یا ۵۰ درصد کاهش رو به رو شد.

برخی از بررسی‌ها نشان می‌دهد که الجزایر در فهرست کشورهای مورد هدف انقلاب‌های بهار عربی قرار داشت و زمینه‌سازی‌ها در برخی از پایتخت‌های کشورهای غربی - عربی به سرعت به سمت ناآرامی‌های مردمی پیش می‌رفت و شبکه‌های تلویزیونی عربی و فرانسوی نیز این ناآرامی‌ها را دامین می‌زدند. با این حال مردم الجزایر از بحرانی شدن فساد اقدامات سرکوبگرانه نبود عدالت اجتماعی و شکاف فزاینده بین فقرا و ثروتمندان و علاوه بر آن بیماری عبدالعزیز بوتفلیقه رئیس جمهوری این کشور شکایت دارند.

هم‌اکنون محافل حاکم در الجزایر به دلیل کاهش شدید قیمت‌های جهانی نفت و گاز و تأثیر منفی آن بر بودجه و بالارفتن قیمت کالاهای اساسی در نتیجه حذف یارانه و افزایش مالیات‌ها که منجر به موجی از اعتراض‌ها در جامعه این کشور به خصوص در مناطق قبیله‌ای و کم‌بندی پایتخت شده، نگرانند.

صادرات روزانه یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه نفت و همچنین گاز، ۶۰ درصد بودجه الجزایر را تأمین می‌کند و پیش‌بینی می‌شود که الجزایر در سال ۲۰۱۶ با کاهش قیمت نفت زیر ۴۰ دلار با کسری بودجه بالغ بر ۲۵ میلیارد دلار مواجه شود و چنانچه قیمت نفت به زیر ۳۰ دلار برسد کسری بودجه الجزایر از این میزان نیز بیشتر خواهد شد. الجزایر بودجه سال جدید (۲۰۱۶) را با قیمت هر بشکه نفت ۴۵ دلاری تدوین کرده است.

دولت الجزایر ناچار به اجرای اقتصاد ریاضتی شده است به طوری که برخی از طرح‌های زیربنایی از جمله ساخت بیمارستان، شبکه مترو، خط آهن و همچنین اشتغال در بخش دولتی را متوقف کرده و سن بن‌نشستگی را به ۶۰ سال کاهش داده و بر گوشی‌های همراه، اینترنت و ابزارهای ارتباطی مالیات بر ارزش افزوده قرار داده و این در حالی است که قیمت دینار الجزایر به میزان ۱۰ درصد کاهش یافته به طوری که اکنون ۱۰۰ دینار برابر یک دلار است. اقدامات انجام شده توسط دولت عبدالملک سلال باعث افزایش هزینه‌های

زندگی برای مردم الجزایر و در نتیجه گسترش اعتراض‌ها در شهر تیزی وزو، سطیف، باتنه و مناطق قبایلی آمازیغ شده است که البته بیشتر این تظاهرات مسالمت‌آمیز بوده و در برخی موارد دین پلیس و معترضان درگیری‌هایی ایجاد شده است. دولت الجزایر متعهد شده تا برخی از اقدامات ریاضتی برای مردم این کشور به خصوص فقرا را کاهش دهد. اما برخی طرف‌ها تلاش می‌کنند تا از اوضاع اقتصادی در جهت بی‌ثباتی و ناامنی این کشور استفاده کنند.

کارشناسان اقتصادی الجزایر از دولتمندان خواسته‌اند هر چه سریع‌تر به دنبال جایگزین‌های جدیدی برای اقتصاد کشور باشند. اقتصادی که به شدت وابسته به نفت است و چشم‌به‌دلارهای نفتی دارد تا بتواند به حیات خود ادامه دهد. شرکت انرژی «ریست انرژی»، که در بحث‌های اقتصادی و نفتی مشاوره می‌دهد توصیه کرده است که الجزایر در صورتی که نفت به ۲۰ دلار و ۴۰ سنت در هر بشکه رسید تولید نفتش را متوقف کند چرا این رقم حداقل هزینه تولید نفت در الجزایر است. این شرکت گزارش داده است که نه تنها الجزایر بلکه کشورهای بسیاری هستند که به خط‌نرخ خالص تولید نفت نزدیک شده‌اند و در صورتی که قیمت تولید نفت برای آن کشورها مقرون به صرفه نخواهد بود.

نوسان قیمت نگرانی‌ها را برای انگیزد. عبدالملک سلال، نخست‌وزیر الجزایر، توقف پروژه‌های سرمایه‌گذاری غیر ضروری در ۲۰۱۵-۲۰۱۹، مانند پروژه توسعه راه آهن و حمل و نقل شهری را اعلام و اجرا نموده است. وزارت امور خارجه الجزایر تصمیم به کاهش کمک به کشورهای آفریقایی مانند موریتانی، نیجر، مالی و بوركینا فاسو، و همچنین گروه‌های مستقل مانند جبهه پولیساریو، گرفته است.

در پایان شایان ذکر است که مجلس الجزایر نیز اخیراً قانون تازه سرمایه‌گذاری‌های غیرنفتی را در پی کاهش درآمدهای انرژی، تصویب کرده است.

چشم انداز انرژی تجدید پذیر در بریتانیا

نقش دولت جدید بریتانیا به رهبری ترزا می می‌تواند به یک انقلاب انرژی سبز منتهی شود. اگر دولت با استفاده از یک استراتژی طرح‌های پیشنهادی خوب را دنبال کند و از دنبال کردن استفاده از قدرت سوخت فسیلی بپرهیزد آنگاه می‌تواند به نقش رهبری خود در تغییرات آب و هوایی امیدوار باشد.

در سال ۲۰۰۵ نخست‌وزیر پیشین بریتانیا تونی بلر قبل از نشست سران گروه جی ۸ در ارتباط با موضوع تغییرات آب و هوایی دانشمندان متخصص در امر تغییرات آب و هوا را در کنفرانسی در اکستر فراخواند تا جدیدترین اخبار و اطلاعات مربوط به تغییرات هسته‌ای را در اختیار داشته باشد. در پایان این نشست نتیجه‌گیری شد که برای اجتناب از آثار بسیار بد تغییرات آب و هوایی نیاز است که انتشارات جهانی را طی ده سال تحت کنترل درآورد.

در سال ۲۰۰۸ کمیسیون اروپایی طرح پیشنهادی ارائه داد که طی آن سهم اعضای اتحادیه اروپایی برای رسیدن به هدف انرژی تجدید پذیر بیان شده بود. سهم بریتانیا در تأمین انرژی از منابع تجدید پذیر تا سال ۲۰۲۰ به اندازه ۱۵٪ خواهد بود. با توجه به پیمان آب و هوایی پاریس که شانس کنترل دمای جهانی تا زیر ۲ درجه، در نتیجه اجتناب از تغییرات فاجعه‌آور آب و هوایی در دسترس خواهد بود.

رایزنی‌های دولت براون در مورد انرژی تجدید پذیر به نقاط روشنی هدایت شده بود پس از سال‌ها نا کامی و شکست علائم مشوقی بروز کرده‌اند که دولت بر اساس آن علائم بتانسویل انرژی‌های تجدید پذیر در بریتانیا را مشاهده کرده است. به عنوان مثال هدف رسیدن به تولید ۱۵٪ انرژی بریتانیا از منابع تجدید پذیر تا سال ۲۰۲۰ قابل تحقق یافتن است. البته به منظور تأمین مزایای بیشتری که این استراتژی برای امنیت انرژی و اقتصاد بریتانیا و آب و هوای جهانی به ارمان خواهد آورد نیاز است که دولت پول هنگفتی صرف کند.

تجربیات سال‌های متعددی مشاوره و بررسی انرژی‌های تجدید پذیر حزب محافظه‌کار به رهبری دیوید کامرون و هم‌اکنون به رهبری ترزا می نقش خود را در چشم انداز انرژی حفظ کرده است. از این رو مکانیسم‌ها، تعهدات و ابتکاراتی که دولت کارگر در طول ۱۰ سال گذشته برای ایجاد انگیزه در بخش انرژی‌های تجدید پذیر صرف کرده است و به کمک آن می‌توان فرصت‌های از دست رفته را باز شناختن قابل استفاده و مفید می‌باشد.

در نظر گرفتن کشورهای موفق و کوشا در زمینه این نوع انرژی از دید سیاست‌گذاران بخش انرژی در بریتانیا پنهان نمانده است. به منظور دستیابی به آینده‌ای مطمئن بریتانیا همانند آلمان نیازمند سیاستی است که در امور انرژی تجدید پذیر نکاتی داخلی داشته و به تولید فناوری‌ها و ساخت بخش‌هایی تمرکز کند که اهداف داخلی را پوشش می‌دهد. پس از آن همچنان مانند آلمان می‌تواند به صادرات تخصص به کشورهای دیگر بپردازد. در تصویری که برای روزگار آتی بریتانیا ترسیم می‌شود لازم است به نقش معیارها توجه نمود و استانداردهای حداقلی را تعریف کرد. سپس باید تولید کنندگان و سازندگان را متعهد شوند که فقط محصولات، ساختمان‌ها و وسایل نقلیه‌ای تولید و طراحی کنند که از انرژی به صورتی موثرتر استفاده کنند. به عبارت دیگر لازم است انرژی‌های تجدید پذیر جای خود را در محصولات تولید شده باز شناسند.

بریتانیا بهترین منابع انرژی تجدید پذیر را در اتحادیه اروپا اختیار دارد با این حال با بیش از ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری تقریباً در ته جدول لیگ اروپایی قرار دارد. برای نمونه در سال ۲۰۰۷ اسپانیا ۸ برابر، آلمان ۴ برابر و فرانسه ۲ برابر بیشتر از بریتانیا ظرفیت‌بندی نصب کرد. در این زمینه نقش دولت جدید ترزا می، می‌تواند به یک انقلاب انرژی سبز منتهی شود. اگر دولت با استفاده از یک استراتژی طرح‌های پیشنهادی خوب را دنبال کند و از دنبال کردن استفاده از قدرت سوخت فسیلی بپرهیزد آنگاه می‌تواند به نقش رهبری خود در تغییرات آب و هوایی امیدوار باشد.

شکم گرسنه و آب یخ!؟

نعمت ا. امام

زندگی در دوران بازنشستگی و اشتغال همیشه تفاوت هایی با هم داشته و دارد، اما واقعیت این است که شرایط زندگی بازنشستگان صنعت نفت در سال های دور، در مقایسه با امروز، تفاوت زیادی با دوران اشتغال آنها داشت. برای مثال از دست دادن خانه های سازمانی، اجیلا آب و برق مجانی، کاهش دریافتی ماهانه و دسترس کمی به امکانات، در کنار از دست دادن مزیت موقعت داری، کاری و... همراه با افزایش توقعات افراد خانواده، بیماری های ناشی از کمبود سن و... موجب رنجش و آزرده گی آنها می شد و این خود بر افسردگی و نومیدی شان می افزود. در جنوب آمار زیادی وجود داشت از بازنشستگانی که چه کارمند و چه کارگر، ۶ ماهه و یا یک سال پس از بازنشستگی دارفانی را وداع گفته و حتی افرادی بودند که در طول مرخصی ۱۵ روزه قبل از بازنشستگی، سکنه یا فوت کرده بودند. این مسئله بویژه در رده های کارگری و کسانی که پس از بازنشستگی از خانه و سرپناه مطمئنی برخوردار نبودند، بیشتر به چشم می خورد. البته این سخن بدین معنی نیست که بازنشستگان امروز مشکلی ندارند، اما در طول زمان و اصلاح برخی امور، از قبیل تقویت و گسترش خدمات درمانی، افزایش خدمات صندوق های رفاه بازنشستگی، پرداخت مبلغی به عنوان پاداش پیشینه و توسعه امور ورزش و... در کنار افزایش دانش و آگاهی نسبت به زندگی در دوران سالمندی، همگی به ارتقای کیفیت زندگی کارکنان پس از بازنشستگی کمک شایانی کرده است. در گذشته همه زیادی از بازنشستگان این تصور را داشتند که با بازنشستگی دنیا به آخر می رسد و عده ای نیز آن را باعث سرشکستگی و بی اعتبار شدن می پنداشتند



و لذا ورود به این دوران را از خانواده، بستگان و دوستان پنهانی می کردند. به عبارتی این افراد تصور می کردند که با بازنشستگی دنیایه آخر رسیده و باید منتظر مرگ بود. خاطره ای که در اینجا نقل می کنم مربوط به سال ۱۳۴۳ است، یعنی زمانی که متصدی بخش رفاه (ولفر) در کارگزینی کارگران مناطق نفتخیز در مسجد سلیمان بودم، آن زمان رسم بر این بود که وقتی چند نفر بازنشسته می شدند، جلسه ای با عنوان جلسه تودیع در سالن منطقه برگزار می شد و با اهدای لوح تقدیر و یک تخته قالیچه دستباف نجف آباد یا گلستان نقره از صنایع دستی اصفهان از زحمات آنان تقدیر به عمل می آمد. یک بار که قرار بود در مراسمی از تعدادی از کارگران بازنشسته تقدیر شود، همه مدعوین حضور یافتند جز یک نفر به نام «غلام...» مشهور به «غلام راننده». (در آن زمان رسم چنین بود که کارگران را در محل کار اکتفا با اسم کوچک صدا می کردند). چیزی نمانده بود که مراسم شروع شود و هیچ خبری از او نبود. من به عنوان مسئول جلسه و برای اطمینان از حضور غلام، «رجب» راننده خودرو کارگزینی را صدا زدم و به او گفتم که دنبال غلام برو و او را بیاورد. رجب گفت: غلام را کجا پیدا کنم، گفتم دقیقاً نمی دانم، اما خانه اش در منطقه نفتون، نزدیک تعاونی است. برو و آنجا بپرس غلام کجا است. رجب رفت و یک ساعت بعد با پیراهن پاره و صورت خون آلود برگشت. پرسیدم رجب این چه وضعی است؟! گفت: نفتون از کارکنان تعاونی و افراد عبوری آدرس غلام راننده که تازه بازنشسته شده را می پرسیدم که ناگهان غلام از خانه ای بیرون آمد و شروع کرد به بد و بیراه گفتن که فلان فلان شده آبروی مرا می بری و داری همه جا جار می زنی که من بازنشسته شدم، تا آمدم به خودم بچشم دعویانم شده بود و این وضعی شد که می بینید. به هر صورت غلام به جلسه نیامد، اما چند روز بعد که سر و کارش به کارگزینی افتاد، صدایش کردم و گفتم: غلام چرا به جلسه تودیع نیامدی و این چه کاری بود که با رجب کردی؟ گفت: این داشت آبروی مرا جلوی در و همسایه می برد، حتی خانواده هم نمی دانستند که بازنشسته شدم. گفتم: حالا که در جلسه نیامدی، رجب را هم که دنبالت آمده بود، کتک زدی، لااقل بیسایان گلستان و لوح تقدیرت را بیاور. گفت: «گلستان بخورد توی سرتان، شکم گرسنه و آب یخ!؟»



فرشید خدادادیان مدرس دانشگاه و پژوهشگر تاریخ نفت

سی تیر ۱۳۳۱ یکی از نقاط عطف دوران ملی شدن صنعت نفت است. سالروز حضور مردمی در حمایت از دولتی که هر گاه با دربار و مجلس به چالش می خورد، یا فراخوان حضور خیابانی حامیان، با نگاه اجتماعی خود را به طرف مقابل یادآوری می کرد! بسیاری قیام سی تیر سال ۱۳۳۱ در حمایت از دولت دکتر مصدق را ثبت و ضبط شده در حوادث میدان بهارستان و ساختمان مجلس شورای ملی و حمایت گسترده مردمی از دکتر مصدق برای بازگشت به نخست وزیری می دانند، اما حقیقت این است که همزمان در مناطق مختلفی از ایران و خصوصاً مناطق نفت خیز نیز این حضور و حمایت وجود داشت. به عبارتی دامنه اعتراضات مردمی به بازگشت قوام به کرسی نخست وزیری، علی رغم محدودیت های طبیعی آن زمان برای انتشار اخبار، در کل کشور منتشر شد و خصوصاً در خوزستان و آبادان مردم این حوادث را رصد می کردند و البته که پر خور احساسی با موضوع نیز در آن مقطع بسیار طبیعی می نمود! گویا اینکه در همان ساختمان مجلس در تهران نیز خسرو خان قشقایی، بزرگ ایل قشقایی فارس و نماینده فیروز آباد در مجلس شورای ملی همزمان با پیروزی مردمی در بازگشت دکتر مصدق به قدرت و تسدت عمل تنشان می داد و پار دیگر دست عمل انگلیسی را باز می گذاشت که بر آبادان دست بایند، کارگران قشقایی و فارس که نقاط حساس آبادان را در دست گرفته بودند با کمک کارگران آماده هر گونه فداکاری بودند و یا باشگاه آبادان به کلی منفجر می گردید. (۱)

این امر تنها حرف و گفته فعالان و ناظران داخلی نبود! نویسندگان، روزنامه نگاران و حقوقدانانی که با استقرار دولت دکتر مصدق به ایران آمده بودند نیز تقریباً به اتفاق، همه در خاطرات خود از وجود احساس ضد کمیانی در ایران گفته و نوشته اند. خاتم در تی تاپسون، نویسنده معروف آمریکایی که پس از



بکارجران خوزستان آزادی دشمنان دران دریائی را بدریا بپوشند



کرونولوژی نفت در ایران: سی تیر ۱۳۳۱

از ملی شدن نفت در ایران و همزمان با تحریم های نفتی ایران و تعطیلی پالایشگاه آبادان از این شهر بازدید کرده بود یکی از این ناظران خارجی بود که در گزارش بازدید خود، آبادان را شهر نفت نامیده و با مرور خاطرات و شنیده های خود از این شهر نتیجه گرفته بود که «ایرانی ها ما بلند از فقر و گرسنگی میگردند ولی زبردست انگلیسی ها کار نکنند!» (۲)

خاتم تاپسون که در سال ۱۳۳۱ به ایران آمد، پس از بازگشت در مقاله ای مفصل در روزنامه کانادایی «تورونو کلوب» راچ به اوضاع ایران و خاورمیانه چنین نوشت: «مردم ایران و خاورمیانه مدعی هستند که خارجی ها خود را بهتر و برتر از ملل آسیا می دانند و قدرت مالی و نظامی خود را به رخ آسیایی ها می کشند، غافل از اینکه این قدرت ها هیچ کدام دائمی نیستند و روزی از بین خواهند رفت!»

او در این مقاله چنانکه پیشتر آمد، آبادان را «شهر نفت» نامید و مشاهدات خود از این شهر را این گونه توصیف کرد: «...آبادان که مرکز مهم شرکت نفت ایران و انگلیس است در نخلستان های زیبا ساخته شده و خیابان ها و جاده های آسفالتی و تمیزی دارد. در هر جای آبادان باغچه های زیبا و خانه های تمیز سنگی و کارخانه بزرگ مشاهده می گردد که چند میل مربع از آن شهر را فرا گرفته است. زمانی که من به آنجا وارد شدم، حتی یک دودکش، دود به هوا نمی فرستاد و تمام کارخانه ها و دستگاه های عظیم خاموش بودند. شرکت نفت ایران و انگلیس سالیانه در حدود پنجاه میلیون دلار به ایران می پرداخت و اکنون خزانه داری ایران که از این درآمد محروم شده مجبور بود سالیانه چندین میلیون دلار به عنوان حقوق به کارکنان بی کار نفت بپردازد.»

درونی همچنین به شرح صحبت های خود با یکی از مهندسان ایرانی نفت در آبادان اشاره می کند و می افزاید: «در آبادان با یکی از کارمندان صحبت می کردم، او گفت که من در یکی از دانشگاه های لندن فارغ التحصیل شده ام و دارای مدرک مهندسی شیمی هستم، ولی مادامی که انگلیسی ها در اینجا بودند من یک کار ساده اداری داشتم و می دانستم



بکارجران خوزستان آزادی دشمنان دران دریائی را بدریا بپوشند

که هرگز ترقی نخواهم کرد.» هیچ سکا از ایرانی ها هر اندازه ای هم که صاحب معلومات و حرفه بودند در زمان انگلیسی ها شغل مهمی نداشتند و نمی توانستند به انگلیسی ها دستور بدهند. مهندس میسور گفت که من دیگر هرگز برای انگلیسی ها کار نخواهم کرد و بهتر است ما از گرسنگی میمیریم تا برای آنها کار کنیم. (۳)

چنین جو عمومی بود که مردم مناطق نفتخیز و کارکنان صنعت نفت را در روز سی ام تیرماه ۱۳۳۱ با مردم تهران و دیگر نقاط ایران در حمایت از دولت دکتر مصدق همگام و همراه کرد. در گزارش های که از طرف مقامات رسمی آبادان انتشار یافت اعلام شد که عصر روز دوشنبه سی ام تیرماه، هنگامی که یک تانک سنگین ارتش برای متفرق ساختن جمعیت تظاهرکنندگان در یکی از خیابان های آبادان مشغول گردش بود، تاکیان زنی از میان جمعیت بیرون دوید و در اثر برخورد با تانک به قتل رسید.

بر اثر وقوع این حادثه شهر آبادان یکلی متشنج شد و کلیه کارگران کارخانجات و پالایشگاه ها به استثنای کارخانجات آب و یخ و برق دست از کار کشیده و در خیابان ها مشغول تظاهرات و سردادن شعار مرده باد انگلیس، زنده باد مصدق شدند. در شرایطی که بر اثر این تظاهرات پالایشگاه فرعی آبادان که تقریباً چهار پنجاه و پنج در صد از محصولات سواد نفتی مورد احتیاج کشور را تهیه می کرد نیز تعطیل شد، آقای فلاح، کفیل پالایشگاه آبادان به خبرنگاران گفت که با تعطیل پالایشگاه مزبور جای هیچ گونه نگرانی برای تامین مواد نفتی مورد احتیاج کشور نیست، زیرا در مخازن آبادان مقداری زیادی نفت برای احتیاجات کشور موجود است و از آن محل می توان موارد مورد احتیاج را تامین کرد.

آبادان، خرمشهر و روستاهای اطراف از دربار و محل سکونت ایرانیان عرب زبان محلی بود. همان ها که در شکل گیری شهر آبادان و تأسیس پالایشگاه در کنار کارگران پختناری و دیگر کارگران ایرانی و هندی حضور داشتند و بعد از افتتاح پالایشگاه

نیز به استخدام کمیانی درآمد بودند. یکی از شگردهای استعمارگران کمیانی ایجاد تفرقه و تشویق حرکت های واگرا یا نه در منطقه خوزستان بود. اما هنگامی که همزمان با قیام سی تیر تعداد زیادی از عشا بر عرب زبان خوزستان به حمایت از دولت دکتر مصدق برخاستند، انسجام ملی ایرانیان خوزستانی به تمایش درآمد.

روزنامه اطلاعات در شماره اول مرداد ۱۳۳۱ خود در پوشش اخبار قیام سی تیر در ایران نوشت: «...خبر دیگر حاکی است که امروز جمع زیادی از زن و مرد عشا بر عرب در حالی که کفن به تن کرده بودند از طرف خرمشهر وارد شهر آبادان شده و بر له دکتر مصدق شروع به تظاهرات و ایراد احساسات نمودند. صدها هزار تن تظاهرکنندگان امروز در برابر تلگرافخانه اجتماع تمسوده و فریاد می زدند چنانچه یک انگلیسی به خاک ایران مراجعت کند او را پاره پاره خواهیم کرد. قرار است فردا عصر مردم آبادان در پشت پام منازل خود به دعا و نماز بپردازند. (۴)

مردم آبادان در کنار دیگر ساکنان مناطق نفتخیز و بیشتر شهرهای بزرگ ایران در قیام مردمی سی تیر حضور داشته و با آمادگی جانپازی در راه وطن، استقلال طلبی و وطن دوستی خود را به تمایش گذاشتند. حضوری مردمی که به استعقای قوام و بازگشت دکتر مصدق به قدرت منجر شد، اما تنها یک سال پس از آن بود که خیابان های اطراف میدان بهارستان شاهد حضور جماعت داران مخالف دولت ملی و سکوت نسبی مردم بود!

آیا مردم حضور تانک و سرتوشت ساز خود در سی تیر ۱۳۳۱ را در بیست و هشتمین روز از مرداد سال ۱۳۳۲ فراموش کرده بودند؟

پانوش ها:

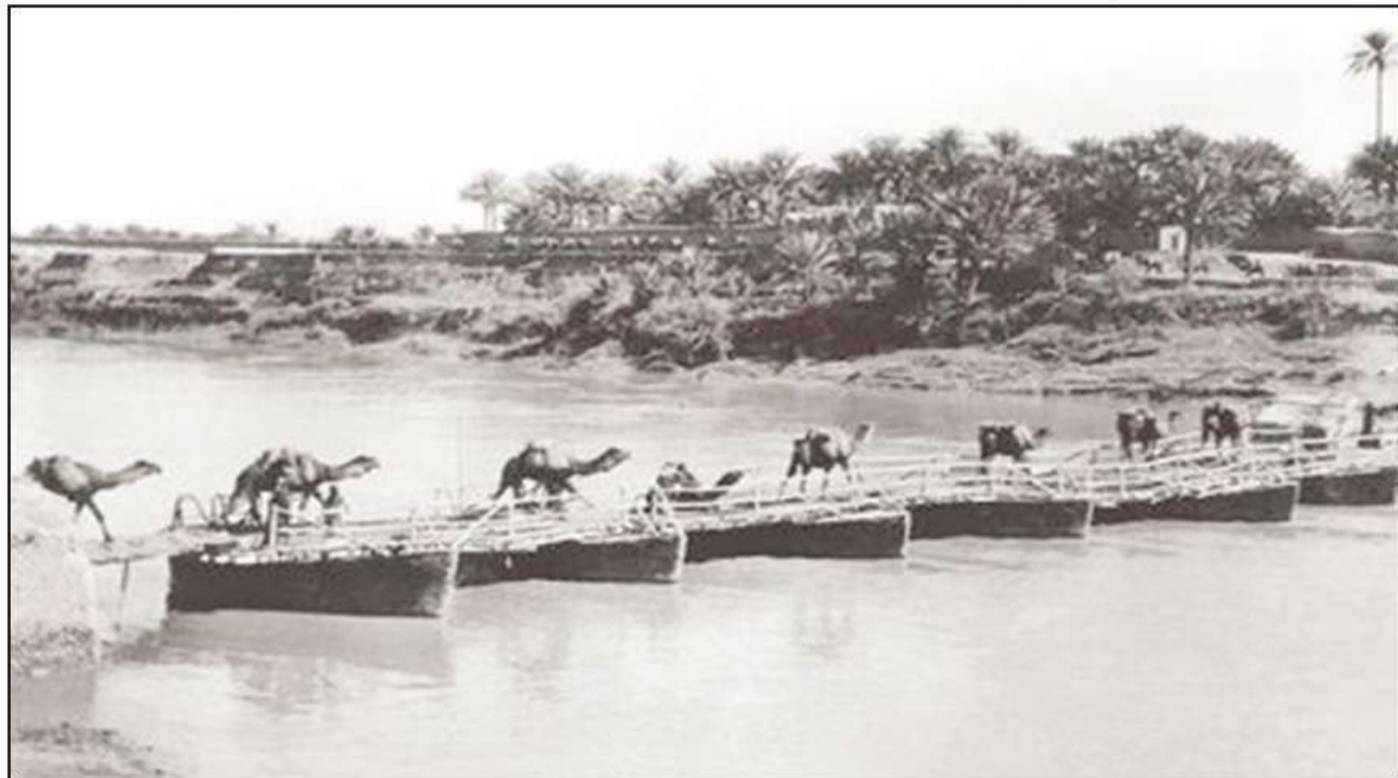
روزنامه اطلاعات/چهارشنبه اول مرداد ۱۳۳۱/ صفحه ۲

روزنامه اطلاعات/یکشنبه ۲۹ تیر ۱۳۳۱/ صفحه ۳

همان

روزنامه اطلاعات/چهارشنبه اول مرداد ۱۳۳۱/ص ۳

آبادان، شهر نفت، در گذر زمان



حمل محصولات نفتی با اروان شتر از روی رودخانه بهمشیر در دهه ۱۲۹۰



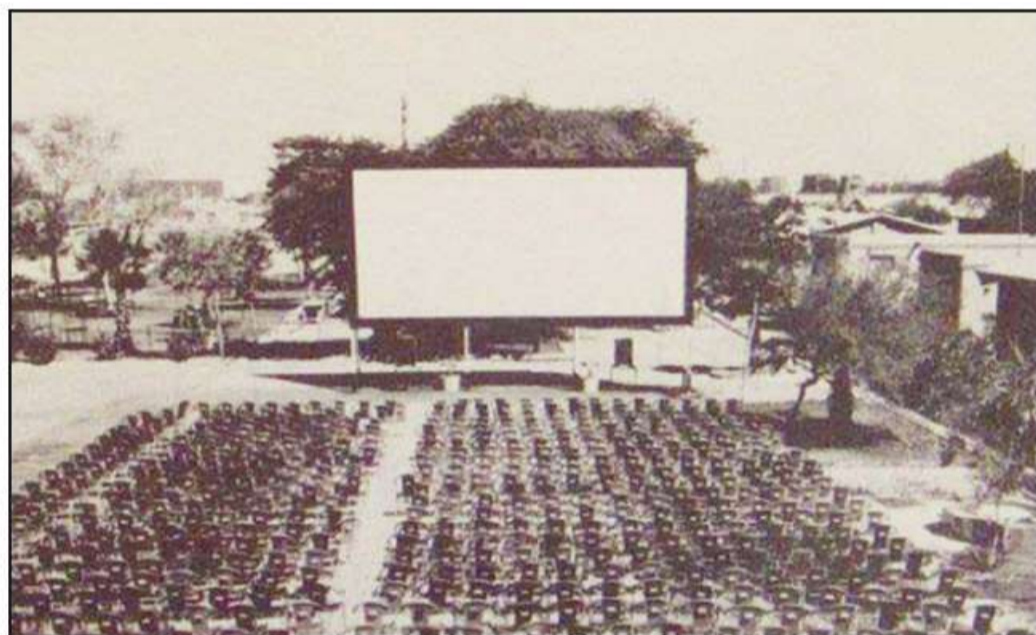
فرودگاه آبادان در سال ۱۳۲۲



حمل لوله توسط چهاربایان در بالایشگاه آبادان در دهه ۱۲۹۰ خورشیدی



لین یک آبادان، خانه کارگران مهاجر شرکت نفت در سال ۱۳۰۶



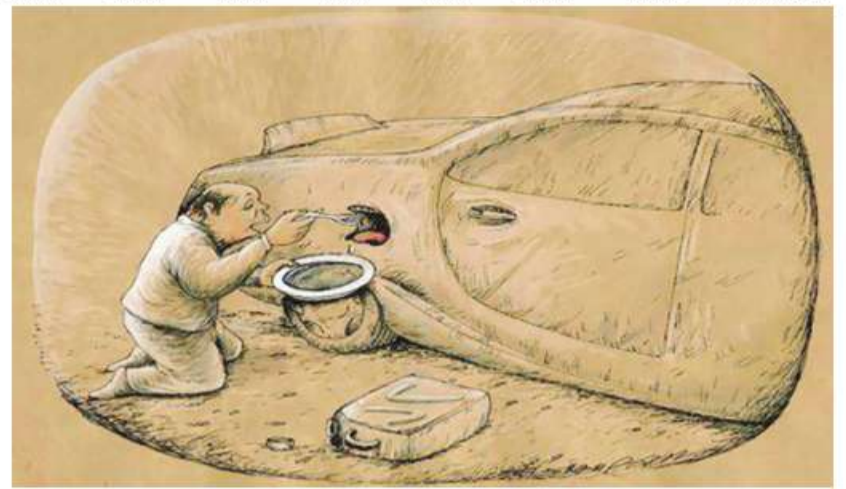
سینما تابستانی باشگاه کارگران نفت آبادان در سال ۱۳۴۰



عکس یادگاری مهندسان پالایشگاه آبادان در سال ۱۳۴۴



سینما تاج آبادان در سال ۱۳۴۱



انتشار شماره ششم دیپلماسی انرژی

تحوالات در حوزه انرژی و غیره به بحث گذاشته شده است. در پرونده سوم با عنوان «مسئولیت اجتماعی نفت، قربانی سوءتفاهمی بزرگ» طی مقالات و مصاحبه‌های متعدد، مسئولیت اجتماعی بخش نفت و گاز در مناطق عملیاتی که عمدتاً مناطقی محروم هستند، مورد بحث قرار گرفته است. امیر طالبیان، مشاور اجتماعی وزیر نفت در این پرونده عنوان می‌کند که مسئولیت اجتماعی بخش نفت در دوره پس از انقلاب مورد غفلت قرار گرفته است. یادداشت‌های متعددی این پرونده مشکلات و چالش‌های زندگی مردم محلی و کارکنان شرکت‌های نفتی را مورد کندوکاو عمیق قرار می‌دهند. نهایتاً پرونده چهارم با عنوان «اقتصاد سیاسی سقوط نفت»، تأثیرات کاهش قیمت نفت بر دولت‌های مختلف را بررسی می‌کند. در کنار این پرونده‌ها، در این شماره از مجله دیپلماسی انرژی، کتابی معرفی شده است که «پارون‌های نفتی و کاری» به هیچ وجه دوست‌ندارند شما را بخوانید.



شماره ششم مجله دیپلماسی انرژی منتشر شد. ششمین شماره مجله دیپلماسی انرژی در چهار پرونده تنظیم شده است. در پرونده نخست موضوع «مجلس و انرژی» طی چند یادداشت و مصاحبه مورد بررسی قرار گرفته است. از این میان می‌توان به مصاحبه با محمدحسن بیوندی، معاون شرکت ملی صنایع پتروشیمی، و علی یختیار، نماینده مجلس دهم اشاره کرد. عملکرد مجلس نهم در حوزه انرژی نیز طی چند مقاله مورد بحث قرار گرفته است. در پرونده دوم با عنوان «ژئوپلیتیک تجارت گاز»، سوبدهای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بازار جهانی گاز طی مصاحبه‌ها و مقالات مفصلی بررسی شده است. در این پرونده با کارشناسان شناخته‌شده‌ای نظیر عباس ملکی، جهانگیر کریمی و داوود کیانی مصاحبه شده است. همچنین طی مقالاتی رقابت خط لوله صلح یا خط لوله تایی، صادرات گاز از قفقاز به اروپا، تلاش اروپا برای قطع وابستگی به گاز روسیه، آثار ژئوپلیتیک

کارنامه وزارت نفت در یک نگاه

مرتضی الله داد
 اقتصاددان

نگاهی گذرا به عملکرد سه ساله وزارت نفت در دولت تدبیر و امید حاکی از موفقیت بسیاری از سیاست‌ها در این وزارتخانه است. مناسب‌ترین رویکرد وزارت نفت در این مقطع سه ساله، اتخاذ سیاست افزایش تولید نفت خام و احیای سهم از دست رفته ایران در بازارهای جهانی نفت خام بود. این اقدام وزارت نفت که در سطح جهانی به عنوان «سریع‌ترین بازگشت به بازار نفت جهانی» تعبیر شد با رکورد کشور ایران در تولید و همچنین صادرات نفت خام همراه بود. افزایش تولید نفت خام ایران در شرایط اقتصاد بحران زده بسیار حیاتی و مناسب به شمار می‌آید. در این زمینه آنچه از سوی وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران ضروری است، اتخاذ سیاستی است که براساس آن بتواند نقش جدی در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) ایفا کند و در این راستا تا زمانی که ایران و عربستان در اوپک به نظر واحدی دست نیابند، خطر آفرین بوده و می‌تواند به

انحلال این سازمان بین‌المللی هم منجر شود. ناگفته نماند که سیاستگذاران نفتی تا امروز راهبرد مناسبی را در مواجهه با عربستان و اوپک اتخاذ کرده‌اند و باید اقدام آقای زنگنه را از این جهت که حاضر به پذیرش فریز نفتی نشد اقتصاد، هوشمندانه و مناسب ارزیابی کرد. بعد دیگر عملکرد وزارت نفت در تهیه مدل جدید قراردادهای نفتی است. در این راستا نیز شاهد نقدهای مکرری هستیم که بیش از آن که کارشناسی باشد، سیاسی است. همانند آنچه که دربرگیرنده فیشهای حقوقی شاهد هستیم که سیاسی بودن آن پررنگ‌تر از بعد کارشناسی آن است. درباره وزارت نفت و عملکرد آن هم بسیاری از انتقادات رنگ و بوی سیاسی دارد تا کارشناسی.

کارنامه وزارت نفت در بخش توقف تولید بنزینهای آلوده نیز از موارد قابل توجه است. به خاطر دارید در دوره دولت نهم و دهم با وجود درآمدهای سرشار نفتی در این بخش سرمایه گذاری مناسب با نیازهای کشور صورت نگرفت و تامین بنزین کشور در مسیری قرار گرفت که سوخت‌های آلوده را وارد چرخه تولید کشور کرد و مطابق طرحی که در دولت گذشته با عنوان طرح ضربتی افزایش تولید بنزین رقم خورد، مقرر شد تا در ۶ مجتمع پتروشیمی روزانه ۱۵ تا ۱۷ میلیون لیتر بنزین تولید شود. حاصل این اقدام آلودگی زیست محیطی و تولیدی محصولی بدون کیفیت بود که در دوره دولت جدید، وزارت نفت تولید این نوع از بنزین را در پتروشیمیها متوقف کرد و امیدواریم زوده به بازگشت به این نوع تولید درست نباشد. به هر رو در زمینه بنزین و فرآورده‌های نفتی، تامین نیاز داخل و واردات هم اقدام دست اندر کاران وزارت نفت مناسب بوده است و باید منتظر باشیم که در تعیین قیمت فرآورده‌های نفتی خاصه بنزین همراه با کالای مکمل آن سمت و سوی بازار رقابتی مدنظر قرار گیرد.



با نصب پلهای ارتباطی سکوی فاز ۱۹۸ و سکوی مشعل، عملیات نصب این سکو به طور کامل پایان یافت.
 عکس: علی سلیمانی

شرکت فراسکو عسلویه
FARASKOU
 ASSALUYEH CO.

بندر فراسکو عسلویه



بارگیری نفت کوره صادراتی، همزمان به دو فرزند نفتکش در بندر فراسکو عسلویه

پس از سپری شدن حدود یک ماه از رونمایی بندر فراسکو عسلویه به عنوان قطب جدید صادرات فرآورده های نفتی ایران، با راه اندازی فاز دوم ایستگاه انتقال فرآورده، بارگیری همزمان دو فرزند نفتکش حاکی از افزایش سریع ظرفیتهای بندر فراسکو جهت پاسخگویی به توجه روزافزون مشتریان خارجی به بازار فرآورده های نفتی ایران در شرایط پسا تحریم می باشد.

شرکت ملی نفت ایران با استفاده حداکثری از ظرفیت های منحصر به فرد بندر فراسکو در عسلویه سعی در بالا بردن میزان صادرات فرآورده های نفتی از این منطقه دارد.

در صورت تکمیل طرح های توسعه بندر فراسکو در بخش خشکی و دریا ظرفیت و توان صادراتی از این بندر به بیش از ۱۱ میلیون تن در سال خواهد رسید.